

چاره ی کارگران
وحدت
و
تشکیلات
است!

همبستگی کارگری

کمیته همبستگی برای ایجاد اتحادیه ی کارگران ساختمان
h.karegary@gmail.com



سرمقاله

شماره هفتم شهریور ۸۸

یارانه ها در جهت منافع کدام طبقه هدفمند میشود!!؟

طرح هدفمند کردن یارانه ها یعنی خالی کردن سفره طبقه کارگر و سران بردن سودهای بیشتر به جیب کارفرمایان و دلالتان است.

پس از کلی به نعل و میخ زدن و علی رغم اینکه طرح برداشتن یارانه ها از مدت ها پیش بصورت تدریجی از جمله نان ، مایحتاج عمومی ، فرآورده های نفتی مانند بنزین برداشته شده و مبالغ نجومی به حسابهای بانکی سرمایه داران حکومتی و غیر حکومتی سران برد شده و می شود. طرح هدفمند کردن یارانه ها یک بار تصویب شد که بدنیا اعتراضات مردم و آتش زدن پمپ بنزینها از ترس ، پس گرفته شد . بالاخره پس از کاملتر شدن نظامی گری حکومت و مذاکرات صمیمانه با آمریکا و کنار آمدن و نشان دادن چراغ سبز دولت اوباما (از ترس انقلاب در ایران) به رژیم فاشیستی - اسلامی ، نظام اسلامی زمان را برای تصویب طرح مناسب دانسته و طرح فوق رسماً" در ۱۳۸۸/۷/۱۹ توسط مجلس سرمایه داری تصویب و اعلام شد . حکومت سرمایه داری اسلامی بعنوان حافظ نظام سرمایه داری و سگ پاسبان سرمایه جهانی در ایران در ادامه نوکری و اجرای موبه موی سیاستهای سرمایه داری جهانی که توسط نهاد های جهانی سرمایه مانند سازمان تجارت جهانی ، بانک جهانی و صندوق بین المللی پول ... تعیین شده اند یارانه ها را برداشته و بدین طریق ضمن افزایش سود سرمایه ، رضایت امپریالیست ها را نیز نسبت به خود جلب کرد . همانگونه که برای تامین نیروی کار ارزان و اجرایی سیاست اقتصادی سرمایه جهانی در رابطه با تقسیم جهان به مناطق مختلف در جهت تامین انرژی ، تامین نیروی کار ارزان و مناطق مخصوص مصرف تولیدات و همچنین مناطق تصمیم گیرنده برای گردش سرمایه ، طبق نقشه های آنها کلیه تولیدات و کارخانجات را از بین برده و از طریق خواست های سرمایه جهانی بصورت خصوصی سازی و اجرای قراردادهای سفید امضا و موقت یازده میلیون نفر از ۲۴/۱ میلیون نفر نیروی کار کشور را بی کار کرده است . با خصوصی کردن خدمات عمومی از جمله آموزش در مدارس و دانشگاه ها ، امکانات بهداشتی و بیمارستانی

- ۱- سر مقاله - یارانه ها در جهت ...
 - ۲- سازماندهی جدید ...
 - ۳- چرا سرنگونی جمهوری اسلامی ضرورت دارد !!؟
 - ۴- مروری بر کتاب چه باید کرد لنین
 - ۵- آیا دموکراسی و آزادی بدون پیروزی سوسیالیسم ...
 - ۶- اعتیاد و مواد مخدر ایزر رژیم اسلامی برای ...
 - ۷- بحران ساختاری نظام سرمایه داری دلالتی ایران
 - ۸- اخبار داخلی - کارگران ساختمان حق ندارند سهام
 - ۹- اخبار خارجی - تظاهرات کارگران ساختمان در ...
- دیپلماسی گاوی :**
رابطه ایران و آمریکا با دیپلماسی گاوی سرعت بیشتر می گیرد.

با ارایه کمک های مالی نشریه خود را تقویت کنید

چرا سرنگونی جمهوری اسلامی ضرورت دارد!!؟



چون : بهترین ، شجاع ترین جوانان و انسانها ، بدستور خمینی و دیگر سران جنایت کار این نظام فاشیستی - اسلامی به جرم دفاع از آزادی ، برابری ، دفاع از کارگران ، برقراری حاکمیت طبقه کارگر و دفاع از سوسیالیسم در کوهها و بیابانها در کوجه و خیابان ها در مدارس و دانشگاهها در دادگاهها و زندان ها زیر بازجوی و شکنجه ها قتل عام شدند .

پیش بسوی انقلاب

کارگران ، زنان ، معلمان ، دانشجویان و دانش آموزان :

با ایجاد کمیته ها و هسته های مخفی در کارخانه ها ، محلات ، دانشگاه ها ، مدارس و اداره ها اعتراضات را گسترش داده و با سازمانیافتگی هر چه قویتر خود را برای تشکیل حزب طبقه کارگر و نابودی جمهوری اسلامی - فاشیستی و برقراری جمهوری شورایی - سوسیالیستی کارگران آماده کنیم .

سرنگون باد جمهوری فاشیستی - اسلامی

نابود باد نظام سرمایه داری

برقرار باد حاکمیت سوسیالیستی - شورایی کارگران

کارگران ؛ باتشکیل اتحادیه و سندیکاهایی خود ، سنگری در مقابل بهره کشی و استبداد سرمایه داران به پا کنیم .

، حمل و نقل جاده ای ، هوایی و دریایی و ریلی و... عموم مردم بخصوص طبقه کارگر را از حداقل ها محروم کرده که از این طریق سرمایه داران حکومتی و غیر حکومتی ثروت و سرمایه بی حد و حسابی انباشتند. در ادامه چنین سیاستهای ضد مردمی و ضد کارگری سرمایه داری داخلی و جهانی یارانه ها را که از جیب خود مردم (اموال عمومی) روی کالاهای مانند نان ،بزی و... خرج می شد با تصویب طرح هدفمند کردن یارانه ها (شما بخوانید سرازیر کردن یارانه ها به جیب سرمایه داران) بین سران حکومت و سرمایه داران نوکیسه شکنجه گر و متجاوز سپاه پاسداران تقسیم می کنند. مثلاً با آزاد شدن قیمت نانهای ساندویچی ،باگت و نان ماشینی هر سال ۴۸۰ میلیارد تومان به میزان اموال غارت شده اضافه گشته و به حسابهای شخصی سرمایه داران دولتی و غیر دولتی از جمله حسابهای بانکی رهبر فرزانه و نماینده امام زمان و پسر حرامزاده اش مجتبی همچنین در حسابهای سران جنایت کار سپاه پاسداران و دیگر سرمایه داران سرازیر می گردد. در این طرح عوام فریبانه در حالیکه حذف یارانه ها باعث افزایش حداقل ۳۰۰ الی ۵۰۰ درصدی هزینه های زندگی خواهد شد حکومت فاشیستی - اسلامی سرمایه داران در جهت جلوگیری از اعتراضات و فریب و آرام کردن مردم تا جا افتادن و اجرایی شدن طرح چند ماه به صورت موقت چندرغاز پول که طبق مواد طرح فقط ۱۰ الی ۱۵ در صد هزینه های فعلی می شود به مردم خواهند داد که البته پس از عادی شدن اوضاع همان چندرغاز راکه با افزایش قیمت ها و کاهش ارزش و قدرت خرید در آمدها ماهیانا حذف گردیده است اسما" و رسما" نیز حذف خواهد کرد. در متن اجرایی این طرح شوک فلج کننده ای گریبان کارمندان رادر همان روز ها و ماههای اولیه بطور وحشتناکی خواهد گرفت چونکه طبق دهک تنظیمی رژیم مبلغ پرداختی به این لایه تقریباً در حد صفر خواهد بود . کارگران و زحمتکشان باید با تمام نیرو علیه غارت و چپاول پا به میدان بگذارند و با سرنگونی این رژیم فاسد و سرمایه داری سرنوشت خود را به دست خود گیرند کارمندان بخصوص معلمان سرنوشتشان با سرنوشت کارگران عجین است ضمن پیوستن به اصل خود و شرکت پر قدرت در انقلاب آتی در جهت برقراری حکومت کارگری گام بردارند که غیر از آن راه نجاتی وجود ندارد یا باید سوسیالیسم کارگری را برقرار کنیم یا در حاکمیت بربریت سرمایه داری محکوم به نابودی خواهیم بود. مردم باید بدانند حکومت فاشیستی - اسلامی از درون پوسیده و پاپیه های ضد

انسانی آن لرزان است و فقط با تکیه بر سرنیزه خود را سر پا نگهداشته است. فاجعه پوسیدگی و شکاف درون نظام آنقدر عمیق شده است که در تمامی پایه های حکومتی در گیری شدیدی وجود دارد و طبق گفته لنین تضاد های درون حاکمیت چنان عمیق است که مانند گذشته نمی تواند حکومت کند. از جمله برای چند روز بیشتر کردن، عمر خود مجبور می شود شش هزار از ۳۰ هزار نیروی مخلص خود را در وزارت اطلاعات به زور بازنشسته کند چون دیگر به آنها اعتماد ندارد به آنها که برای تثبیت همین نظام فاشیستی هر گونه جنایتی مرتکب شده اند در همین حال ۱۸۰ نفر از مجموع ۲۰۰ نفر مدیر بلند مرتبه امنیتی رژیم سرمایه داری خود را اخراج می کند همچنین از ۸ تا ۱۰ نفر از سران و بنیانگذاران اصلی سپاه خانه نشین و بازداشت خانگی می شوند و از طرفی ستونهای جنایت کاری و تثبیت این نظام فاسد چون رفسنجانی ، موسوی و خاتمی و کروی نسبت به نظام نا محرم می شوند باید در آینده منتظر تسویه های خونین درون نظام باشیم. بر ما کارگران و ستمدیدگان است که ضمن دوری از دنباله روی جناحهای مختلف سرمایه داری و دوری از علنی گری که در حین تسویه های جناحی گوشت دم توپ نشویم امروز باید از فرصت های پیش آمده استفاده کرده در هسته ها و کمیته های انقلابی کارخانه ها و محل زندگی ، تحصیل و محل کار متشکل شده خود را برای تسخیر قدرت و تشکیل حکومت کارگری آماده کنیم. صدای پای انقلاب می آید اما باید به انقلاب ، سوسیالیسم و طبقه کارگر ایمان داشته باشیم تا صدای پای انقلاب را بشنویم و قبول داشته باشیم که به اعتلایی انقلابی نزدیک می شویم و همچنین توان و امکان تشکیل حکومت کارگری را داریم در این صورت است که هر کدام از ما اقدام به تدارک و برقراری گام های اولیه انقلاب خواهیم کرد زمینه و شرایط کاملاً مهیا است طبق گفته لنین سه شرط انقلاب وجود دارد حکومت نمی تواند مانند گذشته حکومت کند و مردم نمی توانند حکومت را مانند گذشته بپذیرند و همچنین لبه تیز سرکوب به خاطر تضاد های درونی حکومت کند شده است همچنین فلاکت و فشار اقتصادی آنقدر زیاد شده است که عقب مانده ترین توده ها نیز به سیاست کشیده شده اند با توجه به این سه اصل شرایط برای انقلاب آماده است. تنها آنچه کم داریم تشکیلات حزبی رزمنده ای است که توده ها را برای انقلاب و تسخیر قدرت آماده کند و این وظیفه یک به یک کمونیست ها و کارگران انقلابی است بنابراین هر چه زودتر باید آستین ها را بالا زده و با تشکیل هسته ها و کمیته های انقلابی و مخفی در

کارخانه ها و محلات زمینه را برای تشکیل حزب خاص طبقه کارگر و تسخیر قدرت آماده کنیم. به یاد داشته باشیم ما می توانیم با سه نفر یک هسته کمونیستی تشکیل بدهیم و فعالیت های انقلابی محل زندگی یا محل کار خود را سازماندهی کنیم که البته این هسته ضمن ایجاد هاله از هواداران و نیروهای انقلابی و توده ای در اطراف خود خودش نباید شناخته شود در همین حال از به هم پیوستن چند هسته به صورت ارتباط دارای امنیت بالا کمیته محل یا کمیته کارخانه تشکیل می شود که کمیته ها باید فعالیت هسته ها را یک دست ، هم جهت نماید و حوزه های فعالیت منطقه را ایجاد کنند و الی آخر. در این مبارزه طبقه کارگر ۴۳ میلیون نفری نیروی اصلی تولید تمامی ثروت جامعه است که باید در سرنگونی رژیم فاشیستی - اسلامی سرمایه داری نقش اصلی را ایفا کند بدون مبارزه و رهبری طبقه کارگر حکومت سوسیالیستی شورایی آن برقرار نخواهد شد بلکه انقلاب آینده نیز مانند انقلاب ۵۷ با هدایت سرمایه داری جهانی شکست خورده و دیکتاتور دیگری جایگزین رژیم اسلامی خواهد شد. برای رهایی از چنگ این رژیم که حاصلی جز دزدی ، فحشاء، اعتیاد ، فقر و فلاکت، زندان و شکنجه و اعدام ... ندارد لزوم ساختن تشکیلات پولادین و مخفی (حزب سیاسی طبقه کارگر) رزمنده از میان جسور ترین ، فداکارترین ، مبارز و منظم ترین افراد کارگر و رنجبران ضرورت فوری دارد که از نان شب هم واجب تر است. طبقه کارگر بر اساس منافع طبقاتی خود و بعنوان تنها نیروی تا آخر انقلابی فقط در حزب خاص خود می تواند متشکل شده و از دنباله روی و خود به خودیسم نجات یابد. همچنین فقط در سایه رهبری سراسری حزب سیاسی است که جویبار های کوچک اعتراضات و مبارزه و نارضایتی توده ها به رودخانه عظیم و بنیان کن بر علیه این رژیم تبدیل خواهد شد. چاره ما کارگران و زحمتکشان فقط و فقط وحدت و تشکیلات است برای سرنگونی حکومت فاشیستی - اسلامی و برقراری حکومت شورایی - سوسیالیستی خودمان بدون حزب نیروی پراکنده ما مانند تفنگ بدون فشنگ است که بدرد چوب دستی هم نمی خورد. بنابراین برای یک دست کردن قدرت طبقه خود باید حزب خود را بسازیم و برای ساختن حزبی که واقعا" حزب خاص طبقه کارگر باشد ایجاد و گسترش سلولها و هسته ها و کمیته های مخفی در میان کارگران و ستمدیدگان بعنوان اجزای تشکیل دهند آن برای رهبری مبارزات طبقاتی ضرورت حیاتی دارند.

در تابستان سال قبل (۸۷) حدود ۱۶ ماه پیش تحلیل و بررسی از طرحهای جدید سرکوبگری نظام اسلامی در نشریه شماره چهار انقلاب سرخ با نام "سازماندهی جدید جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش های اجتماعی" منتشر شد. که در آن مقاله رفقای جبهه واحد کارگری به موارد بسیار مهمی پرداخته بودند. از جمله موارد فوق می توان به موارد زیر اشاره کرد. رفقای جبهه واحد کارگری اعتقاد داشتند که شرایط و اوضاع ایران به سمت اعتلایی انقلابی می رود و همچنین اعلام کرده بودند که سپاه پاسداران خود را برای سرکوب و بدست گرفتن تمامی اهرم های قدرت به صورت پنهان آماده کرده است. رفقا اعلام کرده بودن که سپاه و مهره های اصلی حاکمیت با ایجاد ساختارهای جدید سپاه را به نیروی اول سرکوب تبدیل خواهند کرد، همچنین این رفقا پیش بینی کرده بودند که اعتراضات زیادی به زودی اتفاق خواهد افتاد. اعتراضات و حرکت های نظام ورخ دادهای اخیر صحت بسیاری از تحلیل های رفقای جبهه واحد کارگری را به اثبات رساند. و حتی استانی شدن سپاه به اعتراف خود فرماندهان سپاه که اخیراً "اعتراف کردند تمامی کارهای نظام در سرکوب اعتراضات اخیر توسط سپاه محمد رسول الله که در تقسیمات سپاه مسنول تهران شده انجام گرفته است. البته بطور مشخص فرماندهان این سپاه باید پاسخگویی شکنجه ها و تجاوزات اخیر مضاف بر جنایات رخداده توسط کلیت نظام باشند. ما باتوجه به این واقعیت ها لازم و ضروری می دانیم مقاله رفقای جبهه واحد کارگری را عیناً" منتشر کنیم. باشد که از این رهگذر جنبش کمونیستی - کارگری بتواند توشه ای بر گیرد.

سازماندهی جدید جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش های اجتماعی

(بخشی از طرح جدید سرکوب جنبش های اجتماعی)

بودند و با وجود این ستاد ها به خود مردم و تشکل های مستقل اجازه سازماندهی داده نمی شد و در همین حال عوامل حکومت اسلامی مشغول دزدیدن و فروش کمکها در شهر های دیگر بودند هنوز هم اثرات وحشت ناک زلزله در بم باقی مانده است.

۲- سازمان پدافند غیر عامل:

در تعریف خود سرکوب مردم را به روشنی بیان می کند. پدافند غیر عامل در سال ۱۳۸۲ به دستور خامنه ای رسماً تشکیل شد (البته قبلاً " به طور غیر رسمی فعالیت داشت) و ستاد مرکزی و کارگروه های آن دارای ترکیب زیر هستند. ۱- نمایندگان از طرف دولت ۲- نمایندگان از طرف ستاد کل نیروهای

رسیدگی و سرکوب آنها را سازماندهی می کند و حتی اگر سیل، زلزله و ... پیش بیاید مدیریت یا ستاد بحران تمامی قدرت خود را به کار میگیرد تا اگر بر اثر حوادث فوق اعتراض یا شورش ایجاد شد یا در حال شکل گیری بود در نطفه خفه کند در واقع این نیز علی رغم مشخص بودن وظایفش مانند پدافند غیر عامل عمل می کند. به این دلیل است که زلزله و سیل زدگان حتی با وجود چنین سازمانهای هیچ وقت از شر فشار و عواقب حوادث رها نمی شوند در این رابطه زلزله بم مثال روشنی است که با وجود کمک های بسیار از طرف مردم جهان و مردم ایران ستاد های بحران چون مشغول جلوگیری و سرکوب اعتراضات

در زمان سلطنت پهلوی تشکیلاتی وجود داشت به نام دفاع غیر نظامی که در تعریف و وظیفه داشت به تمامی حوادث غیر مترقبه از قبیل سیل، زلزله، اثرات جنگ و موارد اجتماعی و شورش ها رسیدگی کند و حال در جمهوری اسلامی از دل آن دو تشکیلات بیرون آمده است که عبارتند از:

۱- مدیریت (ستاد) بحران

۲- سازمان پدافند غیر عامل

۱- مدیریت (ستاد) بحران:

در تعریف روی کاغذ مدیریت بحران یعنی رسیدگی به حوادثی چون سیل، زلزله و دیگر حوادث طبیعی که البته در عمل دقیقاً " و فقط وظیفه مقابله با تجمعات، اعتصابات و اعتراضات اجتماعی و کارگری را

مسلح ۳- نمایندگان از طرف قرارگاه پدافند هوایی ۴- نمایندگان از طرف وزارت دفاع ستاد مرکزی و تمامی نمایندگی ها و دفاتر آن در استانها با این ترکیب سازماندهی می شوند. و نماینده ستاد کل نیروهای مسلح ریاست این سازمان را به عهده دارد . سازمان پدافند غیر عامل طرحهای مختلف سرکوب را با توجه به شرایط جدید ارایه می کند و نیروهای اجرایی آنها را نیز سازماندهی می نماید. در سال ۱۳۸۶ کارهای مطالعاتی و اقدامات اولیه این سازمان به پایان رسیده و رسماً وظایف اجرایی و فرماندهی آن برای سرکوب اعتراضات جنبش های اجتماعی شروع شد و تصمیم گرفتند دفاتر این سازمان را در ۳۰ استان کشور راه اندازی کنند که بسیاری از آنها تا کنون راه اندازی شده است. خلاصه وظیفه تعریف شده برای این سازمان سرکوب گر عبارت است از مقابله با اثرات غیر مستقیم قبل و بعد از حوادث جنگ و تهدیدات نظامی است. سازمان پدافند غیر عامل طرح هشت کارگروه را برای تحت تسلط نظامی پنهان، در آوردن ادارات و سازمانها تشکیل داده است که به استاندارها در اداره استان کمک می کنند البته ضمن اینکه تمامی افراد این گروه ها طبق ترکیب تعریف شده برای سازمان پدافند غیر عامل از نظامیان نامحسوس تشکیل می شوند ولی دارای مشاوران علنی و مستقیم نظامی نیز هستند که این مورد نظامی بودن حکومت اسلامی را کاملاً واضح نشان می دهد. ضمناً "استاندارها ریاست این کارگروهها را به عهده دارند . طبق تحلیل سازمان پدافند غیر عامل آمریکایی ها روی دو عنصر تولید نا امنی در کشور و توسعه فضا و جو ناامنی کار می کنند . ایجاد واکنش های اعتراضی و سپس کشاندن این اعتراضات به سمت درگیری مردم با دولت و بروز نا امنی در مناطق مرزی جزء سیاستهای آمریکا است . بدنبال چنین تحلیلی است که جمهوری اسلامی از جنگ های مرزی خیالش راحت شده و تلاش دارد آرامش داخل را به هر صورت ممکن حفظ نماید که البته در مرحله اول می کوشد سرکوب پنهان را گسترش بدهد.

طرح استانی کردن سپاه

یکی از طرحهای مطالعاتی سازمان پدافند غیر عامل که به مرحله اجراء رسیده است طرح استانی کردن سپاه پاسداران است . نظام فاشیستی - اسلامی با تکیه به مطالعات سازمان پدافند غیر عامل به این نتیجه رسیده است که جنگ های جدید مردم را

هدف مستقیم قرار نمی دهند بلکه زیر ساخت ها و هر آنچه که قدرت و توان اداره کشور و مردم را به دولت ها می دهد مورد هدف قرار خواهد گرفت تا دولت ها قابلیت اداره کشور و مردم را از دست بدهند این باعث می گردد اعتراضات مردمی علیه دولت و نظام حاکم بیشتر شده و در نهایت شورش و قیام اتفاق بافتد که باعث سرنگونی نظام سیاسی شود این تحلیل نشان می دهد که نیازی به نیروهای نظامی زیاد در مرزها نیست بلکه در شهرها نیاز به نیروی بسیار قوی برای سرکوب مردم است . به همین دلیل سپاه که یک نیروی همه کاره است (هم حافظ مرزهای اسلامی و هم امنیت داخلی برای حفظ نظام اسلامی بود) و حالا می خواهند تعریف جدیدی برای آن ارائه کنند که در تعریف جدید وظیفه اصلی آن حفظ آرامش در شهرها برای حفظ نظام است (یعنی دقیقاً "به نیروی برای سرکوب رسمی تبدیل می شود .) هرچند که وظیفه آن در گذشته نیز همان سرکوب بود ولی نه در تعریف رسمی (به دنبال چنین تحلیلی است که نظام اسلامی تصمیم گرفته است ساختار تشکیلاتی سپاه را از کشوری به استانی تبدیل کند) . برای دوری از انحراف تذکر زیر لازم است: تحلیل سازمان پدافند غیر عامل فقط در حوزه اختلافات دو بخش درونی سرمایه می تواند درست باشد. چون چنین سازمانهای مبارزات جنبش های اجتماعی را بر مبنای نبرد طبقاتی و تضاد کار و سرمایه نمی بیند بلکه متأثر از معادلات بیرون از حوزه نبرد طبقاتی می داند که هیچ ربطی به تحلیل طبقاتی ندارد. اما در تحلیل طبقاتی چنین برخورد های از طرف بخش های مختلف سرمایه داری با یکدیگر از روی استحصال و بحران ساختاری سرمایه است که تحت فشار جنبش های اجتماعی بخصوص جنبش کارگری رشد کرده و بخش های مختلف سرمایه داری را مجبور به تحت فشار قرار دادن یکدیگر می کند. نظام اسلامی در سال ۵۷ که دگم تر از حالا بوده است بنا به دلایل مختلف سرمایه جهانی آن را پذیرفت و با آن به توافق رسید تا او انقلاب ۵۷ را سرکوب کند چون در آن زمان سرمایه جهانی به جمهوری اسلامی برای سرکوب انقلاب نیاز داشت و حال نظام اسلامی با صورت بندی دوران قبلش دیگر تاریخ مصرفش اعتبار ندارد بنابراین سرمایه جهانی می خواهد آن را تعدیل کند یا بدون بروز انقلاب تغییرش بدهد. اما نظام اسلامی در مقابل تغییر یا تعدیل جان سختی می کند تمامی اختلافات این دو تحت فشار و رشد سطوح مبارزاتی طبقه کارگر جهانی

ایجاد ، بازتولید و دچار فراز و نشیب می گردد. رجز خوانی و جان سختیهای نظام اسلامی در مقابل بخش های دیگر سرمایه ی جهانی به دلیل ترس سرمایه جهانی از مبارزات و انقلابی شدن فضای ایران و حتی جهان است که می ترسد مبادا با حمله و فشار های بیشتر کنترل و سکان را از دست بدهد و فضای باز شود که در آن فضا جنبش کمونیستی - کارگری رشد کرده سکان جامعه ی ایران را بدست بگیرد که در آن صورت سرمایه داری چه به صورت نظام اسلامی و چه به صورت نظام آمریکای به گور سپرده خواهند شد.(محمد علی جعفری فرمانده کل سپاه در تاریخ ۷/۴/۱۳۸۷ اعلام کرد ساختار تشکیلاتی سپاه تغییر می کندو تشکیلات آن استانی می شود). در هر استانی یک فرماندهی سپاه و در تهران دو فرماندهی که مجموعاً ۳۱ سپاه خواهد شد تشکیل می گردد . و سید محمد حجازی جانشین او می گوید با توجه به تهدیدات دشمنان و به منظور ایجاد یکدستی و یک پارچگی میان واحد های سپاه فعال در سطح استانها در هر استان یک فرماندهی خواهد بود. که این واحد ها فعالیت و مأموریت های خود را با مرکزیت فرماندهی استان انجام خواهند داد. و به فرماندهی های این مراکز اختیار داده می شود تا مأموریت و .. را در حوزه خود مستقلاً انجام بدهند. یکی از اهداف مهم این تصمیم گیری) استانی کردن سپاه (و تشکیل ستاد فرماندهی در استانها را پاسخ به تهدیدات دشمنان عنوان کرد). این گفته ها نشان می دهند که جمهوری اسلامی دشمنان خود را در داخل شهرها می بیند نه در بیرون مرزها و برای سرکوب جدی دشمنان خود یعنی مردم تشکیلات سپاه را از کشوری به استانی تبدیل می کند تا دست عوامل و فرماندهان آن برای سرکوب مشخص رسماً "هرچه بیشتر باز باشد . این طرح ۳۱ استانی فرماندهی سپاه با طرح دفاتر استانی سازمان پدافند غیر عامل در تمامی استانها نقطه به نقطه انطباق دارد. بنابراین حتی سازمان پدافند غیر عامل نیز با ستاد های استانی سپاه نمی تواند تفاوت داشته باشد بلکه مکمل یکدیگر هستند . در نتیجه این طرحها همگی در جهت نظامی کردن کل شهرها و روستاها محسوب می شود.

مراحل شش گانه طرح جدید سرکوب

مرحله اول : تعداد بسیاری از فعالین شناخته شده را با احضارهای مکرر، تهدیدها و گرفتن وثیقه در تور نگهداری می کنند که باعث می گردد از تلاش و فعالیت آنها کاسته شود حتی برخی را با این ترفند

از دور خارج می کنند. در نتیجه سازماندهی اعتراضات بسیار ضعیف و ناقص می شود. مرحله دوم: چند روز قبل یا همان روز اعتراض، تعدادی را که می دانند در سازماندهی اعتراضات توانا هستند به بهانه های مختلف دستگیر می کنند مرحله سوم: حدود ۲۴ ساعت قبل از شروع اعتراضات با تشکیل حلقه های محاصره نامحسوس محل احتمالی اعتراضات را زیر نظر می گیرند. مرحله چهارم: ساعاتی قبل از شروع اعتراضات گلوگاههای ورودی را از کیلومترها دور

تر تحت کنترل در آورده افراد و گروه های شناخته شده را برایشان موانع مختلف ایجاد می کنند تا جمعیت زیادی نتوانند خود را به محل اعتراضات برسانند. (در صورتی که افراد با مینی بوس یا اتوبوس به طرف محل برگزاری در حرکت باشند وسائل نقلیه و سرنشینان آن را به صورت باز داشت نامحسوس با خودرو های پلیس اسکورت کرده به دهها کیلو متر دورتر برده پیاده می کنند و وسیله نقلیه را نیز باگرو گرفتن سندی مجبور به اطاعت می نمایند. از این طریق بدون اینکه تابلو باشند

از تجمع افراد بیشتر جلوگیری می نمایند). مرحله پنجم: افرادی را که توانسته باشند دور از دید ماموران مخفی و علنی خود را به محل برسانند چون تعداد کمی خواهند بود به راحتی و بدون درگیری و یا با درگیری کمتری می توانند پراکنده کنند. مرحله ششم: و در نهایت می توانند با استفاده از ماموران که در اطراف محل اعتراض اختفاء کرده اند اقدام به سرکوب و ضرب و شتم نمایند که این آخر کار و در صورتی است که مراحل قبلی کافی نباشد

رفقا، کارگران انقلابی، طرح های بالا نشانگر بسیج نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به طور سازمانیافته علیه اعتلای انقلابی نزدیک کارگری - توده ای می باشد برای مقابله با این طرحها تمامی نیروهای انقلابی - کارگری باید با برنامه و تشکیلات رزمنده، خود و جنبش را سازماندهی کرده و در جهت آلترناتیو کارگری رهبری کند

پیش بسوی تشکیل آلترناتیو کارگری

سرنگون باد جمهوری اسلامی

برقرار باد جمهوری شورایی کارگران و زحمتکشان

کمیته تشکیلات جبهه واحد کارگری

چرا سرنگونی جمهوری اسلامی ضرورت دارد؟!!!

آیا خواسته های دمکراتیک زنان، ملل تحت ستم و... بدون سرنگونی حکومت سرمایه داری اسلامی و بدون برقراری سوسیالیسم تحقق یابند است؟!!

از فرو پاشی بلوک شرق که سرمایه داری جهانی و خدم و هشم چپ نمایش سر از پا نمی شناختندو تئوریسین بزرگ آن فوکویاما که پایان تاریخ و پایان ایدولوژی را اعلام می کرد و بدنبال آن پست مدرنهامردم را به وادی نا کجا آبادسردرگمی که برای حفظ وضعیت موجود نیاز مبرم سرمایه داری است دعوت می کردند چندین سال می گذرد که البته گذشت همین چند سال کوتاه غلط و دورغین بودن تئوری و فلسفه های دست ساز سرمایه داری از جمله پست مدرنیسم و گفته های فوکویاما را اثبات کرده است، گرد و خاک فرونشسته و مبارزه طبقاتی که ضرورت تاریخی را گوش زد میکند باز به وضوح خود را نمایان کرده است، اما خود باخته گان از جمله سوسیال دمکراتهاکه اعتقاد دارند طبقه کارگر دیگر وجود ندارد و "طبقه متوسط" (خورده بورژوازی) اعتراضات اجتماعی را پیش می بردوچپ نمایانی دو آتشه (کمونیستهای دروغین) که هنوز تحت تاثیر هجمه هجوم فلسفه سرمایه داری بسر می برند با لجاجت اسرار دارند که طبقه کارگر ایدولوژی ندارد و حتی نیازی به ایدولوژی ندارد و سوسیالیسم و کمونیسم ایدولوژی نیست، گرچه سرمایه جهانی از وضعیت به وجود آمده و تئوریهای بافته شده در شرایط خاص و همچنین تولید فلسفه های جدید و سردرگمی انقلابیون و کمونیست ها مشغول استفاده و مرعوب و فریب توده ها بود اما توسط همین تئوریسین هایش به خوبی می دانست که واقعیت چیز دیگری است که دیر یا زود دروغهایش بر ملا خواهد شدچرا که کمونیسم به عنوان علم رهایی کارگران ادامه عالی ترین علوم عصر خود بوده و خواهد بود نه تنها ساخته و پرداخته افرادو بلوک شرق نیست، که با از میان رفتن آن یا آنها از بین برود بلکه معلول و زاده ی شرایط مشخص تاریخی و اجتماعی است که رسالت بزرگی را دنبال می کند و رسالت آن چیزی نیست جزء نابودی طبقات و رسیدن به جامعه بی طبقه کمونیستی.

باید با دید دیالکتیکی درک کرد که در طول تاریخ برای تبیین جهان و هستی دو دیدگاه یا دو جهان بینی یا دو برداشت یعنی دو ایدولوژی عمده در مقابل هم قرار داشت و دارندیکی دیدگاه علمی که ابزاری در دست

انقلابیون برای تغییر وضعیتهای موجود بوده و هست و دیگری خرافی و دروغین که ابزاری در دست حاکمان برای حفظ وضعیت های موجود بوده و هست. و اکنون نیز ایدولوژی طبقه کارگرا بزار علمی آن برای تغییر وضعیت موجود و برقراری جامعه بی طبقه کمونیستی است در مقابل ایدولوژی غیر علمی سرمایه داری که می خواهد با آن توده ها را فریب داده وضعیت موجود را حفظ کند. بر مبنای اصول مارکسیسم جا خالی دادن در مقابل ایدولوژی سرمایه داری خود بحث و باور غیر علمی است بنابراین صدها دلیل و بنا بر همین این یک دلیل بسیار مهم تمامی افراد و گروهها و احزاب که اعتقاد دارند طبقه کارگر ایدولوژی ندارد حتی اگر تماما" سرخ پوشند و هزاران پرچم سرخ بدست بگیرند آنها نه تنها مارکسیسم و کمونیست نیستند بلکه از نادانترین خدمت گذاران سرمایه داری هستند که در دفاع از کارگران به عروسک های خیمه شب بازی در دستان سرمایه داری تبدیل شده اند که از طریق آنها سرمایه داری می خواهد جبهه مقابل خود را خلع سلاح کرده و رسالت فوکویاما را از طریق آنها ادامه بدهد.

با رشد بحران ساختاری سرمایه نظام سرمایه داری و دست و پا زدن این نظام در بحران مرگ و رشد سریع احزاب کمونیست (جدید) در کشورهای سرمایه داری بطوری که کتب مارکس پرفروش ترین کتابهای سال رابه خود اختصاص داد. به آن حدی واقعیت وجودی کمونیسم واضح شده است که تئوریسینها و نخبگان سرمایه داری چاره ای جز اعتراف نداشته و ندارند تا آن حدی که ارتجاعیترین آنها (پاپ و اسقف اعظم نتردام) نیز لب به اعتراف گشوده اند که (پیش بینی مارکس در مورد نابودی نظام سرمایه داری درست از آب در آمده است) اما بقول لنین وقتی مارکسیسم و یا هر ایدولوژی در تاریخ به مرحله خطر ناک برای طبقات بهره کش می رسد آنان با قبول ظاهر آن ایدولوژی، آنرا از محتوای انقلابی اش خالی کرده و به شکل دلخواه طبقات حاکم در می آورند تا از برندگی آن کاسته آنرا از ماهیت انقلابی تهی کنند لنین کبیر این نمونه را در مورد مسیحیت بعنوان ایدولوژی بردگان علیه برده داران مثال می

آورد که در آن با قبول مسیحیت از طرف برده داران و حکومت آنان از یک طرف تمامی ماهیت انقلابی این ایدولوژی تحریف شد مثلا" در مقابل کلام مسیح که می گوید من پیام آور شمشیرم اینطور تحریف کردند که من پیام آور صلح هستم اگر به یک طرف صورت شما سیلی زدند طرف دیگر را برای سیلی آماده کنید بدین طریق از کینه و نفرت بردگان که میلیونها نفر از آنان را گشته بودند کاسته و آنان را رام حکومت ها می کند. رهبر بزرگ انقلاب جهانی کارگران در رابطه با ایدولوژی کارگران نیز مورد سوسیال دمکراتها را شاهد می آورد که چطور با قبول ظاهر مارکسیسم آنرا از محتوای انقلابی خالی می کنند و با نفی دیکتاتوری پرولتاریا و در هم شگستن ماشین سرکوب بورژوازی، آنرا به تئوری غیر انقلابی و مورد قبول سرمایه داران تبدیل می کنند برای نابودی و بی ثمر کردن آن باید خود را به رنگ آن در آورد و با تحریف ماهیت انقلابی آنرا به صورت اخته در خدمت نظام حاکم (سرمایه داری) در آورد.

همه می دانیم که حزب توده خودامارکسیست - لنینیست ارتدکس می دانند می دانیم که رژیم فاشیستی - اسلامی در تبلیغات های رسانه ای و همه جوره سعی می کند حزب توده را نماینده واقعی کمونیستها معرفی نماید تا از یک طرف به تمامی توده ها بگوید که نهایت کمونیست همین تشکیلات خائن است از طرف دیگر خود را دمکرات نشان بدهد از سوی دیگر از انحراف و خیانت های کوچک و بزرگ و تاریخی حزب توده در سرکوب جنبش واقعی کمونیستی - انقلابی بی نهایت سود ببرد. در حال حاضر هیچ کس وجود ندارد که حکومت فاشیستی - اسلامی را دشمن کارگران و آزادی و برابری نداند همه می دانیم که حزب توده طی سی سال حاکمیت ننگین جمهوری فاشیستی - اسلامی در دفاع از آن یا جناح های مختلفش هرگز بخودش ذره ای تردید نشان نداده است چنین حزبی که دائما" از حکومت اسلامی دفاع کرده، آنرا تبلیغ کرده و همچنان دفاع می کند و حتی مانند یک نهاد حکومتی برای ثبات آن فعالیت عملی و توجیه گری کرده است آیا با توجه به اصول مارکسیسم که "عاجل ترین

وظیفه کمونیست ها آماده کردن طبقه کارگر برای تسخیر قدرت است" می تواند خود را کمونیست (مارکسیست - لنینیست) بنامد؟ البته سرمایه داری و نوکران آن برای حفظ وضعیت موجود به فریب مردم و نجات خود از چنگ انقلاب کارگری چاره ای جز استفاده از گرایشات منحرف ندارد اما کمونیستها و کارگران انقلابی باید با شناخت تاکتیک های دشمن نگذارند توده ها دوباره به دام انحرافات شناخته شده ای و خادمین جمهوری فاشیستی - اسلامی چون حزب توده و اکثریت گرفتار شوند باید دائما" ماهیت این خائنین با توجه به عملکردشان در دهه ۵۰ و دهه ۶۰ هر چه بیشتر افشا شود. که چگونه این دشمنان کارگران و مردم در لباس دوست همسو با سرمایه جهانی و در جهت سرکوب تمامی خواسته های مردم شرکت کرده و به تثبیت جمهوری اسلامی کمک شایانی کردند هرچند که جمهوری اسلامی بعد از استفاده و بردن سود خود آنها را مانند تفاله، تف کرد ولی آنها با توجه به ماهیت خیانت بارشان حالا نیز می خواهند کارهای انحرافی گذشته خود را در مورد انقلاب آینده نیز با رویکرد دفاع از موج سبز ادامه بدهند البته از آنها و پایگاه طبقاتی (تکنوکرات های که جیره خواران سرمایه داری جمهوری اسلامی) که دارند انتظاری غیر از این نمی رود و اگر غیر از این بود باید تعجب می کردیم. در این رابطه لنین می گوید " بدون اپورتونیسم سرمایه داری نمی تواند به عمر خود ادامه بدهد" بنابراین حزب توده و اکثریت و امثال آنها اگر خود ایجاد نشوند سرمایه داری حتما" ایجادشان می کند. با اندکی تأمل در دوره بعد از فرو پاشی بلوک شرق و استفاده گسترده سرمایه جهانی از آن در می یابیم که علاوه بر ایدئولوژی سازی نظام سرمایه داری در تحریف ماهیت انقلابی مارکسیسم بنامهای پسا و پیشا مارکسیسم در اشکال پست مدرنیستی و همسو با این مسئله این نظام بطور سازمانیافته با از کار انداختن مارکسیسم انقلابی و در مکمل آن شروع به جدا سازی جنبش های اجتماعی از هم دیگر و نیز در دسترس و علنی کردن آنان از طریق انجمنی و ها کرده است. که رژیم های ارتجاعی هر موقع خواستند این نیروها را جمع آوری نمایند ، هدف اساسی نظام جهانی سرمایه تکه پاره کردن جنبش های اجتماعی و جلوگیری از تقویت یگانگی آنان در جهت سرنگونی نظام های سرمایه داری و رسیدن به سوسیالیسم بوده است . در این راستا برجانبش های اجتماعی از جمله جنبش کارگران ، زنان ، جنبش های ملی و دانشجویی تاثیرات تعیین کننده گذاشته

است. در مورد جنبش کارگری با علنی کردن و محدودیت آن در حد سندیکالیسم بورژوازی عملا" موجب اختگی آن شده است ، در جنبش زنان با دامن زدن به فمینیسم بورژوازی عملا" جنبش زنان را در مقابل دیگر جنبش ها قرار داده است، در مورد جنبش های ملی نیز با محدودیت این جنبش ها به خواست های محدود در حد زبان و خود مختاری و همچنین جدا کردن آنها از جنبش های دیگر عملا" آنها را در دور باطل گرفتار کرده است. جنبش دانشجویی را دائما" در منگنه گرفته و هر گاه نطفه های انقلابی که برای پیوند با پایگاه اصلیش یعنی جنبش کارگری در آن رشد کرده است سریعاً سرکوب و متلاشی کرده است. ویژگی مشترک همه ی این جنبش ها محدود بودن در چهار چوب شرایط تعیین و تحمیل شده از طرف دشمن ، علنی بودن ، تعقیب خواسته های رفرمیستی بسیار محدود و نیز حالت گریز از مرکز و گریز از تشکیلات (گریز از حزب یابی) است. بطوری که هر کدام دافع دیگری شده اند حکومت جمهوری فاشیستی - اسلامی بعنوان نوکر حلقه به گوش سرمایه جهانی در اجرای سیاست های سرمایه واقعا" سنگ تمام گذاشته است. نه فقط از این لحاظ که در حد جدا سازی و تفرقه و همچنین شناسایی و ضدیت با این جنبش ها خوب عمل کرده است بلکه با اعمال فاشیستی خود در یک فضای ابهام آلود و پارادوکسیکال تقریباً همه آنها را شیفته سرمایه جهانی و دمکراسی مورد ادعای آن کرده است. بخصوص در فضای عدم وجود حزب سیاسی طبقه کارگر که بتواند همه ای این جنبش ها را بر اساس پلاتفرم خود همسو کند جناح های مختلف سرمایه داری در تقویت نفوذ خود بر این جنبش های بی صاحب مخصوصاً زنان و جنبش های ملی دست و پای همدیگر را می شکنند. همانطوریکه گفته شد طرح رفرمیستی مطالبات جنبش های اجتماعی موجود در حد انجمنی و او ها علاوه بر جلوگیری از ارگانیزه شدن این جنبش ها تمامی فعالین آنان را برای دشمن دست یافتنی و در دسترس آن قرار داده است. و از طرفی با عدول از خواست سرنگونی نظام که می تواند پایه مشترک تمامی آنها در رسیدن به مطالبات واقعی شان باشد به عامل گریز از مرکز و تفرقه جنبش ها تبدیل شده و از طرفی نفوذ جریانات سرمایه داری در این گروه ها را تقویت می کند. هرگونه خواسته های انقلابی و جدی از طرف این لایه های اجتماعی که مترادف با سرنگونی باشد و به انقلاب اجتماعی منجر شود درست

نقطه مقابل سیاست های سرمایه جهانی و نوکرش جمهوری اسلامی می باشد چرا که این مسئله به وحدت پایه ای گروه های اجتماعی در انقلاب آتی منجر شده چیزیکه خط قرمز جریانات سرمایه داری است اما اگر خودمان را فریب ندهیم آیا بجز سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی هر کدام از این گروه های اجتماعی کارگران ، زنان ، خلقها و... می توانند به خواسته های خود دست یابند این موضوع را از نزدیک بررسی کنیم :

از زنان شروع می کنیم آیا حکومتی که زنان را اسباب منزل و وسیله رفع نیاز های غریزی مرد می داند و او را نصف مرد به حساب می آورد و کوچکترین حق و حقوق برای او قایل نیست و همه ای اینها جزء اصول خدشه ناپذیر خدایی و حکم قرانی است آیا با توجه به موارد فوق می تواند به خواسته های زنان حتی کوچکترین آنها تن بدهد؟ هرگونه کوتاه آمدن در مقابل حقوق زنان نفی اصول دینی و مذهبی حاکمان بوده و ارکان آنرا از بیخ و بن می لرزاند پس بدون سرنگونی این حکومت نمی توان حتی به جزئی ترین حقوق زنان دست یافت.

در مورد ملیت ها : آیا حکومتی که خود را جانشین خدا می داند و طبق اصول دین خود به دنبال خدایی کردن تمامی جهان است و همه مردم را با هر مطالبه ای حقیر دانسته و در مقابل اراده خداوند و قوانین آن کفر می شمارد و فقط خود را محق می داند می توان انتظار داشت که برای ملت ها حقی قائل باشد چه برسد به اینکه حقوق آنها را تا حد جدایی و تعیین سرنوشت برسمیت بشناسد؟! آیا به حکومتی که رهبرش همه کاره بوده و عالی ترین مسئول حکومتی را می تواند در عرض چند ثانیه عزل کند میتواند به اراده آزاد و داوطلبانه خلقها تکیه کند؟ هرگز حکومتی که به پاره های تن خود رحم نمی کند چگونه می تواند به ملت ها در حدتعیین سرنوشت، آزادی بدهد. چه کسی فرمان حمله به کردستان را که می خواست سرنوشت خود را خودش تعیین کند صادر کرده و آن را به خاک و خون کشید. چه کسانی رهبران خلق ترکمن را کشته و جسدشان را زیر پل سید خندان انداختند ؟ چه کسانی هزاران انقلابی را در زندانها قتل عام کردند ؟ چه کسانی هزاران انقلابی را در خیابانها به گلوله بستند ؟ چه کسانی ۲۳ مبارز ملی سیستان و بلوچستان را در زندان قزل حصار کرج دو ماه پیش به جوخه اعدام سپردند!!!

واقعیت این است که بدون سرنگونی انقلابی

این رژیم جنبش های ملی نمی توانند حق تعیین سرنوشت خود را بدست آورند.

در مورد جنبش کارگری :

در این مورد وضع از موضوعات بالا بدتر است برای اینکه مطلب را بتوانیم خلاصه کنیم برای این سوال تاکید می کنیم ، چرا جنبش کارگری با این همه پتانسیل و اعتصابات و حرکات اعتراضی هر روزه نتوانسته است به جزیی ترین خواسته برسد و از آن بدتر که هر روز بیشتر زیان دیده و هر روز بیشتر عقب نشینی کرده است؟ به یک دلیل ساده که سر جنبش های دیگر به علت علنی گرای و خواسته های محدود و سازشکارانه شان آمده است به این دلیل ساده که جنبش کارگری بعنوان نیروی هفتاد در صدی کشور به عنوان نیروی اصلی تولید تمامی ثروت جامعه در مقابل رژیمی که حتی به خودپهانش رحم نمی کند نتوانسته یک

تشکیلات انقلابی بر اساس برنامه و اساسنامه مشخص و پولادین بسازد؟! در نتیجه در مقابل کوچکترین حمله رژیم غیر از عقب نشینی کاری انجام نداده است و حتی نمی تواند انجام بدهد.

اما بر خلاف علنی گراها ، سندیکالیستها و نمایندگان جریانات بورژوازی در درون طبقه کارگر ، اگر کارگران در عرض این سالهای بحرانی گذشته و تعطیلی کارخانجات و میلیونها نفر که در مبارزه مرگ وزندگی به سر می برند از میان آنها (اعتصابیون و مبارزین) حزب سیاسی مخفی با ابعاد سراسری می ساختند نه تنها در مقابل دشمن طبقاتی عقب نشینی نمی کرد بلکه با یورش سراسری خود نفس دشمن را قطع می کرد. علنی گرایان همسو با سرمایه جهانی هرگونه تشکیلات مخفی و سراسری کارگران را رد و باعث شناسایی

هزاران نفر از بهترین نیروهای مبارز طبقه کارگر شده و می شوند. و از این طریق هر روز مبارزه انقلابی را به عقب می اندازند. اما در شرایطی که مبارزه انقلابی و روز مره ابعاد جدید بخود می گیرد کارگران انقلابی باید با تکیه به آگاهی سوسیالیستی و با تجمع در حزب سیاسی - انقلابی خود با ساختار پولادین و مخفی و با سازماندهی کمیته ها ، سلولها و هسته های مخفی در محل کار و زندگی خود به عنوان پایه های حزب سیاسی طبقه کارگر قدم عملی بردارند. و با ارایه برنامه دمکراتیک - انقلابی خود تمامی جنبش های اجتماعی را تحت رهبری و هدایت خود در آورند. تمامی جنبش های اجتماعی لازم است بدانند که تنها راه نجات آنها نیز در پیوستن به برنامه انقلابی - سرنگونی طلبانه ای است که توسط طبقه کارگر ارایه می شود.

چرا سرنگونی جمهوری اسلامی ضرورت دارد؟!!!



چون : بهترین و شجاع ترین جوانان و انسانها بدستور خمینی و دیگر سران جنایت کار این نظام فاشیستی - اسلامی به جرم دفاع از آزادی ، برابری ، دفاع از کارگران ، برقراری حاکمیت طبقه کارگر و دفاع از سوسیالیسم در کوهها و بیابانها درکوچه وخیابان ها درمدارس و دانشگاهها در زندان ها زیر بازجوی و شکنجه ها قتل عام شدند .

مروری بر کتاب چه باید کرد لنین

در جهت ساختن تشکیلات رزمنده کارگری

چگونگی سازمان هر موسسه ای را طبیعتاً و ناگزیر مضمون فعالیت آن موسسه معین می کند ...

شد و این گناه مستقیم ماست که کارگران خیلی کم به این آموزش حرفه انقلابی که در آن با روشنفکران مشترکند سوق می دهیم)... (سازمان انقلابی ... سازمانی تصور می شود که استحکامش باید آنقدر باشد که بتواند برای وارد نمودن ضربت قطعی بر حکومت مطلقه هم به قیام متوسل شود و هم به هر گونه شیوه دیگر مخفی... برای چنین سازمانی پنهانکاری نهایت ضرورت لزوم را دارد. پنهانکاری به درجه ای شرط لازم چنین سازمانی است که تمام شرایط دیگر (عده اعضا، گزین کردن آنها، وظایف آنها، توان آنها در ایجاد تلفیق کارعلنی و با کارمخفی) و غیره... باید با شرط مذکور (درجه بالای از پنهانکاری وفق داده شود)... لازمه یک دستگاه مخفی خوب این است که انقلابیون دارای آمادگی حرفه ای خوب باشند و کارها بطور کاملاً منظمی تقسیم شده باشد. و حال آنکه هیچ یک از این دو در حیطه قدرت یک سازمان محلی هر قدر هم که در لحظه فعلی قوی باشد نیست)... (سوسیال دموکراسی (کمونیسم آن زمان) هرگونه مبارزه را می پذیرد فقط به شرطی که این وسائل با نیروی موجود حزب متناسب باشد در صورت فقدان سازمان محکمی که در مبارزه سیاسی و در هر گونه شرایط و دروه پخته و آبدیده شده باشد. راجع به نقشه فعالیت که با اصول متین و روشن و بدون انحراف عملی شده و تنها آن است که شایستگی نام تاکتیک را دارد حتی سخنی هم نمی تواند در میان باشد)... (سوسیال دموکراسی (کمونیسم آن زمان) مبارزه طبقه کارگر را نه فقط برای خاطر شرایط مفید نیروی کارگری (مبارزه اقتصادی) بلکه همچنین برای محور آن رژیم ارتجاعی نیز که ندارها را وادار می کند خود را به داراها بفروشد رهبری می کند (مبارزه سیاسی)... (سوسیال دموکراسی (کمونیسم) انقلابی مبارزه برای اصلاحات را (مبارزه اقتصادی) مانند جزیی در خدمت کل تابع مبارزه انقلابی در راه آزادی و سوسیالیسم می نماید)... (اکنونمیست ها فراموش می کنند در جامعه معاصر اولین وسائل مبارزه که بدست می افتد همواره وسائل

بوده و استفاده از آنها ضرورت تاریخی دارد. بنابراین رهنمود های از لنین در رابطه با سازمان انقلابیون می آوریم. لنین می گوید "من جدا" متعقدم: (۱) بدون سازمانی استوار (سازمان انقلابیون حرفه ای) از رهبرانی که کار یک دیگر را دنبال کنند هیچ گونه جنبش انقلابی نمی تواند پایدار باشد (۲) هر قدر دامنه توده ای که خود به خود به مبارزه جلب می شوند و پایه جنبش را تشکیل می دهند و در آن شرکت می ورزند وسیع تر باشد همانقدر لزوم چنین سازمانی (سازمان انقلابیون حرفه ای) موکد تر می گردد و همانقدر این سازمان باید استوارتر باشد. (۳) چنین سازمانی باید بطور عمده عبارت از کسانی باشد که بطور حرفه ای به فعالیت انقلابی اشتغال داشته باشند. (۴) در یک کشور استبدادی هر قدر که ما ترکیب اعضای چنین سازمانی را محدودتر بگیریم تا جایی که در آن تنها اعضای شرکت نمایند که بطور حرفه ای به فعالیت انقلابی مشغول شده و در فن مبارزه علیه پلیس سیاسی آمادگی حرفه ای بدست آورده باشند به دام انداختن این سازمان به همان اندازه دشوارتر خواهد بود. (۵) همانقدر هم هیبت ترکیبی افراد خواه از طبقه کارگر و خواه از سایر طبقات جامعه که امکان شرکت در این جنبش را داشته باشند و بطور فعال در آن کار کنند وسیع تر می شود)... با داشتن چنین سازمانی... (هر قدر جنبش خود به خودی توده های کارگر دامنه دارتر و عمیق تر گردد به همان اندازه آنها از میان خود تعداد بیشتری مبلغ با استعداد و پراتسین های به مفهوم خوب کلمه از میان خود بیرون خواهند داد هنگامی که ما دارای دسته هایی از کارگران انقلابی گردیم که (تحت چنین سازمانی) مخصوصاً آماده شده و مکتب مبارزه را گذرانده باشند آنگاه دیگر هیچ پلیس سیاسی در دنیا نمی تواند از عهده آنها بر آید زیرا این دسته ها یعنی افرادی که بی دریغ نسبت به انقلاب وفادارند از اعتماد بی دریغ وسیع ترین توده های کارگر نیز بهره مند خواهند

برای درک بهتر موضوع توضیح مختصری از برخی موارد ریشه ای از جمله موارد زیر لازم است. اکنونمیست ها بنا به درک مبارزه در حد اقتصادی و محدودیت آن عملاً نیازی به فعالیت جدی نمی بینند در نتیجه سازماندهی مبارزات جدی را لازم نمی دانند همین درک باعث می شود تشکیلات را تا حد عدم وجود آن تنزل داده نه تنها نیازی به ایجاد سازمانی از انقلابیون که قادر به تامین انرژی پایدار و ادامه کاری در مبارزه سیاسی باشد احساس نمی کنند بلکه حتی در صورت درک نیاز از ایجاد آن عاجز هستند. ... خورده کاری عبارت است از پرستش و اشتغال به کارهای محفلی و کوچک و پراکنده به جای سازماندهی اصولی بر مبنای خواسته های پایه ای و عمومی بر اساس تربیت انقلابیون حرفه ای و نشریه سراسری که تمام نیروها را زنجیر وار به هم متصل کرده و توان مبارزه با پلیس سیاسی را داشته و ادامه کاری مبارزه را تضمین نمایند... فرق سازمان توده ای کارگران با سازمان انقلابیون: سازمان کارگران باید اولاً حرفه ای باشد (صنفی) ثانیاً بقدر ممکن دامنه اش وسیع باشد ثالثاً باید حدالمقدور کمتر پنهان باشد، بر عکس سازمان انقلابیون باید بیش از هر چیزی بطور عمده اشخاصی را در بر گیرد که حرفه آنها فعالیت انقلابی باشد در مقابل این علامت که (بر خلاف سازمانهای حرفه ای - صنفی کارگران) برای همه اعضای چنین سازمانی عمومیت دارد باید هرگونه تفاوت بین کارگران و روشنفکران به کلی زوده شود. تفاوت حرفه های جداگانه آنها دیگر جای خود دارد. سازمان انقلابیون نباید وسیع باشد و حد المقدور باید پنهان باشد برای ساختن خود در جهت یک انقلاب واقعی باید از هر تجربه موفقی استفاده کرد و در طول تاریخ انقلابات هیچ تجربه دقیق و پیروزمندی هم چون تجربه انقلاب اکتبر و رهبری لنین وجود ندارد که حتی بسیاری از آنها علی رغم گذشت بیش از صد سال و تغییرات تکنولوژیکی و تاکتیکی همچنان جواب گویی نیاز های انقلابیون امروزی

تردیونیونی خواه بود) ... (شعور سیاسی طبقاتی را فقط از بیرون یعنی از بیرون مبارزه اقتصادی و از بیرون مناسبات کارگران با کارفرمایان می توان برای کارگر آورد رشته ای که این دانش را فقط می توان از آن تحصیل کرد رشته مناسبات بین تمام طبقات و قشر ها با دولت و حکومت و رشته ارتباط متقابل بین تمام طبقات می باشد) ... (جنبش خود به خودی کارگری فقط قادر به ایجاد تردیونیونیم (مبارزه اقتصادی) است و سیاست اقتصادی طبقه کارگر همان سیاست مسلط (سیاست بورژوازی) طبقه سرمایه دار است شرکت طبقه کارگر در مبارزه سیاسی و حتی انقلاب سیاسی هنوز سیاست وی را به سیاست سوسیال دمکراتیک (سوسیالیستی) مبدل نمی کند) ... (کسیکه توجه و حس مشاهده و ذهن طبقه کارگر را فقط و فقط و حتی در اکثر موارد به خود وی معطوف می دارد سوسیال دمکرات (کمونیست) نیست زیرا طبقه کارگر برای اینکه خود را بشناسد باید بر مناسبات متقابل کلیه طبقات جامعه معاصر وقوف کامل و از آن تصور روشنی داشته باشد) ... (یکی از شرایط اساسی توسعه ضروری تبلیغات سیاسی تهیه زمینه افشاکگری های همه جانبه سیاسی است معرفت سیاسی و فعالیت انقلابی توده ها رابا هیچ چیز نمی توان تربیت نمود مگر بوسیله همین افشاکگریهای سیاسی (تبلیغات سیاسی)) ... (تنها حزبی می تواند پیش آهنگ قوای انقلابی گردد که بتواند موجبات افشاکگریها را واقعا " در برابر عامه مردم فراهم سازد) ... (اما در باب دعوت توده ها به فعالیت باید گفت که هر آئینه تبلیغات سیاسی و افشاکگریهای روشن و جاندار عملی شود آنوقت این امر بخودی خود صورت خواهد گرفت ... مچ یک مجرم را در حال ارتکاب جرم گرفتن و رسوا کردن وی در همان ساعت در ملاء عام این بخودی خود از هر دعوتی اثرش بهتر است) ... (در چنین شرایطی (چسبیدن به مبارزه خود به خودی و خرده کاری) کار را فقط از اینجا می توان شروع کرد که اشخاص را وادار نمود در باره همه این نکات بیاندیشند و کلیه اخگر های هیجان و مبارزه فعالانه را یکجا جمع نموده و یک شعله واحد از آن تشکیل داد در زمانی که زمان تنزل وظایف سوسیال دمکراتیک (کمونیستی) است کار جدی سیاسی را فقط و فقط با تبلیغات جدی سیاسی می توان شروع کرد و انجام آن هم بدون یک روزنامه سرتا سری روسیه که زود به زود چاپ شده و وسیعا " پخش گردد غیر ممکن

است) ... (روزنامه نه فقط یک مروج و مبلغ دسته جمعی است بلکه سازمانده دسته جمعی نیز می باشد از این حیث آن را می توان چوب بستی که در اطراف عمارت در حال ساختمان مقایسه نمود این چوب بست طرح عمارت را نشان می دهد رابطه بین سازندگان مختلف را تهیه و به آنها کمک می کند که کار را تقسیم نموده و نتایج عمومی را که به واسطه کار مشترک بدست آمده است از نظر بگذرانند) ... (امروز همه از اهمیت اتحاد و از لزوم جمع و متشکل کردن سخن می رانند ولی در اکثر موارد درست در نظر خود مجسم نمی کنند از چه باید شروع کرد و چگونه باید امر اتحاد را اجرا نمود؟ برای این کار موسسات عمومی لازم خواهد شد یعنی نه تنها عنوان اتحاد بلکه کار واقعا " عمومی مبادله اطلاعات و تجربه و نیرو و تقسیم وظایف نه تنها بر حسب نواحی بلکه بر حسب تخصص برای فعالیت در تمامی شهر ها خواهد شد (عمومی) ... باید بین شهر ها بر روی زمینه کار عمومی منظم یک رابطه واقعی بر قرار نمود ... که این رابطه واقعی را فقط بر اساس یک روزنامه عمومی می توان آغاز کرد ... که (این روزنامه) نتایج انواع کاملا " گونا گون فعالیت را جمع بندی نماید و بدین طریق افراد را تکان بدهد تا بطور خستگی نا پذیر در تمامی راههای بیشماری که همانطوریکه همه راهها به رم ختم می شوند همه آنها نیز به سر منزل انقلاب منتهی می گردند. پیشروی نمایند ... اگر محفل محلی فوراً " یک چهارم قوای خود را برای فعالیت در کار عمومی اختصاص دهد و در این قسمت روزنامه بی درنگ منظره عمومی یعنی وسعت و ماهیت کار را به آن نشان خواهد داد ... کجا تبلیغات می شود ، در کجا رابطه ضعیف است و محفل مذکور کدام یک از چرخهای کوچک این مکانیسم عظیم عمومی را می تواند تعمییر و یا به جای آن چرخ بهتری بگذاردو ... هر محفلی به جای شروع از صفر در یک موسسه وسیعی شروع می کند که تمام هجوم انقلاب عمومی بر ضد حکومت مطلقه را منعکس می سازد. و هر قدر که هر یک از این چرخهای کوچک کاملتر سوهان کاری (و روغن کاری) شده باشد همانقدر هم شبکه ما وسیع تر خواهد شد. و همانقدر هم عدم موفقیت های اجتناب ناپذیر آشفستگی کمتری در صفوف عمومی تولید خواهد کرد) ... (در حقیقت این در نقش (سازمان انقلابیون) مشغول تبلیغات سیاسی جامع و همه گیر است (از طریق روزنامه سراسری) یعنی مشغول کاری است که

نیروی مخرب خود به خودی جماعت را با نیروی مخرب آگاه سازمان انقلابیون به یکدیگر نزدیک نموده و در یک واحد کل جمع نماید) ... (فقط یک چنین سازمانی است که قابلیت انعطاف لازم برای یک سازمان پیکار جوی سوسیال دمکراتیک (کمونیستی) یا به عبارت دیگر استعداد هماهنگی فوری با شرایط کاملا " گونا گون و سریع التغییر مبارزه را تامین خواهد نمود و توانایی خواهد داد که از یک طرف از جنگ آشکار با دشمن که از لحاظ نیرو تفوق کامل داشته و تمام قوای خود را در یک جا جمع کرده اجتناب گردد و از طرف دیگر از عدم چالاکای این دشمن استفاده نموده و در آنجا و در آن لحظه ای که از همه کمتر انتظار می رود به وی حمله گردد ... ما باید کار روز مره خود را همواره انجام دهیم و همیشه برای همه چیز آماده باشیم زیرا پیش بینی تغییر دوره های آرامش و تبدیل آن دوره های انفجاری در خیلی از مواقع تقریبا " غیر ممکن است ... خود انقلاب را هم باید به شکل چند تغییر و تبدیل سریع بین انفجار و آرامش کم و بیش شدید در نظر مجسم کرد نه به شکل یک عمل منفرد بدین جهت مضمون اصلی سازمان حزبی ما و کانون این فعالیت باید کاری باشد که خواه در دوره قوی ترین انفجار انقلابی و خواه در دوره آرامش کامل (رکود) هم ممکن و هم لازم است یعنی : کار تبلیغات سیاسی که در تمام روسیه متحداً " صورت گرفته و تمام جهات زندگی را روشن سازد و وسیع ترین توده ها را در نظر داشته باشد و این همه در روسیه فعلی بدون روزنامه برای سراسر روسیه که زود به زود منتشر شود غیر قابل تصور است . سازمانی که بخودی خود در پیرامون این روزنامه تشکیل می شود همین سازمان کارکنان این روزنامه برای همه چیز از لحاظ حیثیت و اعتبار و ادامه کاری در حزب در لحظه بزرگترین اعمال انقلابی گرفته تا تهیه و تعیین و اجرای قیام مسلحانه همگانی حاضر و آماده باشد)

تز اصلی لنین کبیر در کتاب چه باید کرد نقش حزب به معنی نیروی انقلابی کننده ، رهبری کننده ، و سازماندهنده جنبش کارگری است لنین می نویسد : (... سازمانی از انقلابیون به ما بدهید و ما روسیه را دگر گون خواهیم ساخت) ... (در برابر ما دژ دشمن با تمام نیروی خود بر پاست و از آن بر سر مباران خمپاره و گلوله می بارد و بهترین رزمندگان را از میان ما بر می دارد ما باید این دژ را تصرف کنیم و خواهیم کرد به شرط آنکه تمام نیروی پرولتاریا بپا خواسته را با نیروی انقلابیون تمام روس در یک حزب گرد آوریم حزبی که در روسیه آنچه که زنده و شریف است بسوی آن کشیده خواهد شد !!!

آیا دمکراسی و آزادی بدون پیروزی سوسیالیسم شدنی است؟

(از خیانت سوسیال دمکراتها بر حذر باشیم)

وقتی رز الوگزانبرگ شاهین انقلاب کارگری پیش بینی کرد که بشریت به مرحله ای گام خواهد گذاشت که مرحله سوسیالیسم یا بربریت سرمایه داری خواهد بود دقیقاً بر پیش بینی علمی - تاریخی نابودی جبری نظام سرمایه داری و پیروزی سوسیالیسم تاکید داشت. بطوری که اسقف اعظم نتردام لب به اعتراف گشوده می گوید "پیش بینی مارکس در نابودی نظام سرمایه داری به واقعیت می پیوندد" بی اغراق با تشدیدبحران ساختاری سرمایه داری و فروپاشی تمامی مناسبات اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آن پیش بینی رهبران بزرگ کارگران اثبات می شود. نظام سرمایه داری در تب تشدید بحران اجتماعی - اقتصادی و غرق شدن در باتلاق جنگ و بیکاری میلیاردری و با تشدید فاصله و تضاد آستی ناپذیر طبقاتی هرچه بیشتر گورکنان خود را به رویا روی جدی و جنگ و مرگ یا سوسیالیسم سوق می دهد. کارگران کشورهای امپریالیستی از چندین دهه خواب خرگوشی بیدار شده به جنگ تمام عیار علیه نظام سرمایه داری کشیده می شوند و در این مبارزه به قول مانفیسست کمونیست طبقه جهانی کارگر به جز زنجیر های دست و پایش چیزی از دست نمی دهد ولی در عوض دنیایی را بدست خواهد آورد. که نه تنها ۲/۵ میلیارد نفر طبقه جهانی خود را بلکه کل هفت میلیارد بشریت ستمدیده، حتی خود سرمایه داران را از بردگی مناسبات سرمایه نجات خواهد داد. طبقه هفتاد در صدی کارگران ایران بعنوان گردانی از ارتش ۲/۵ میلیارد نفری کارگران جهان در جهت نجات خود و تمامی جامعه، وظیفه سنگینی را بر دوش خود دارد که از یک طرف تشکل یابی سیاسی بر اساس منافع سوسیالیستی و مستقل خود در حزب طبقاتی خود و از طرفی سرکرده گی و رهبریت مبارزه کلیه ستمدیدگان و محرومین جامعه در جهت نابودی جمهوری اسلامی به عنوان دشمن بشریت و انسانیت است. بدین منظور در هم شکستن حاکمیت استبداد فاشیستی - اسلامی توسط انقلاب قهرآمیز در رسیدن به آزادی و برابری و عدالت اجتماعی اهمیت درجه اول دارد. با توجه به ماهیت استبدادی و فوق ارتجاعی حکومت مذهبی جمهوری اسلام که خود را نماینده و جانشین خدا قلمداد کرده و در وحشت از

انقلاب قریب الوقوع و جهت حفظ تسلط سرمایه داری، ایران را به زندان هفتاد میلیون انسان تبدیل کرده است. و حال که در هر گامی از حرکات مردمی مرگ خود را نزدیک می بیند، در هراس مرگ آور از آینده تیره و تار خود به نزدیکترین دوستان خود که تا دیروز در تمامی جنایات مشترک بودند رحم نمی کند با تمام قوا تلاش دارد هر صدای آزادی خواه و عدالت طلب را در نطفه خفه کند تحت چنین حکومت ترور، وحشت، و اعدام و زندان، شلاق و قصاص و ... آزادی به خواسته ای واجبتر از نان تبدیل شده است. در این راستا رسیدن به عدالت اجتماعی، آزادی و برابری بدون نابودی حکومت اسلامی راه دیگری وجود ندارد در این مبارزه طبقه کارگر برنامه و خواسته های خود را دارد اما با توجه به تشنگی عمومی در کویر استبداد مذهبی که به خوردن و پوشیدن مردم هم دخالت می کند باعث شده دمکراسی و آزادی خواهی دروغین جریانات سرمایه داری گوش فلک را کر کند، در نتیجه همه فریاد مبارزه برای آزادی سر می دهند در این آشفته بازار و فضای عوام فریبانه حتی انهای که خود با تمام وجود از لحاظ موقعیت طبقاتی، آموزش های فرهنگی و اعتقادات فلسفی و مذهبی و پایگاه اقتصادی دشمن سر سخت آزادی و دمکراسی هستند به دورغ خود را طرفدار آزادی و دمکراسی نشان می دهند، در مقابل چنین فریب کاریها کمونیستها و سوسیالیستها که آزادی خواهان و دمکراتهای واقعی هستند باید با دقت و تمام وجود ضمن مبارزه در راه آزادی و دمکراسی این دمکراتها و آزادی خواهان دروغین را از طریق بیان جنایات عملی سرمایه داری افشا کنند. در این آشفته بازار از سلطنت طلبان که پدر تاجدارشان خود را سایه خدا می دانست و مانند حکومت اسلامی به نزدیکترین یاران خود هم رحم نمی کرد و درجه خفقان آنچنان بالا بود که مردم خودشان را از ترس ساواک سانسور می کردند (آن دوره معروف بود که دیوار موش دارد موش هم گوش دارد) تا مجاهدین که به حکومت مذهبی اعتقاد دارند و فرقتشان با جمهوری اسلامی در کلمه دمکراتیک است که شعار آنان نیز مانند تمامی پیروان و حکومت های سرمایه داری جز دروغ چیزی نیست مجاهدین بدون توجه به آرای مردم و اصل پارلمانی - بورژوازی رهبر و رئیس جمهور خود را قبل از رسیدن

به حاکمیت انتصاب کرده اند یا لیبرالهای کاسه لیس (جبهه ملی و نهضت آزادی و...) که در زمان شاه می گفتند شاه سلطنت کند نه حکومت و در موقع انقلاب که دیگر در مقابل انفجار انقلابی توده ها قرار گرفته بودند گفتند ما باران می خواستیم سیل آمد (بازرگان) و بعد از انقلاب مجیز گویی حکومت اسلامی شده و سرسختانه مدافع قانون اساسی ارتجاعی جمهوری اسلامی شدند و همچنین سوسیال دمکراتهای وطنی (فدائیان اکثریت و توده ای های که جایگاه "طبقه متوسط" را اشغال کرده اند) که تا دیروز با تمام وجود شان از جمهوری اسلامی به عنوان ضد امپریالیست دفاع کرده و تمامی انقلابیون را به دشمن کارگران معرفی می کردند و فدائیان اکثریت که مسلح کردن سپاه پاسداران را به سلاح های سنگین و در هم آمیختن خون فدائی و پاسدار در جبهه مشترکشان در کشتن سرداران آمل از شعار های افتخار آمیز و سرلوحه افتخارات خدمت گذاری شان به جمهوری اسلامی بود امروز بدنبال جناح های مختلف نظام سرمایه داری اسلامی که در گذشته نه چندان دور در شراکت جنایات حاکمان کنونی دستشان تامل فرقی آلوده به خون بود سرو کله همدیگر را می شکنند و همه و همه درست مانند اربابان خود سرمایه داری جهانی و داخلی ادعای دمکراسی خواهی و مبارزه برای آزادی را سرلوحه برنامه خود قرار داده اند همانگونه که امریکا در تمامی دنیا جنایت می کند به بهانه آزادی خواهی و رشد و گسترش دمکراسی (گوانتانامو و ابوقریب) نمونه های کشف شده جنایت های سرمایه داری دمکراسی خواه است که صد در صد صدها این چنین وجود دارد که هنوز کشف نشده اند دقیقاً جمهوری اسلامی به وسیله سپاه پاسداران، سربازان گمنام زمان، بسیجیان، لشکر مخلص خدا و نیروهای انتظامی و لباس شخصی های امید اسلام نیز همان جنایات را انجام می دهند که اربابان سرمایه دارش در تمامی جهان به وسیله ارتش، سازمانهای جاسوسی و ضد جاسوسی و پلیس انجام می دهند همان گونه که جمهوری اسلامی این جنایت کاران را در مقابل شکایت، شاکیان با ترغیب های گوناگون تیرنه می کند سرمایه جهانی نیز جانیان پرورش داده خود را دائماً تیرنه کرده و می کند. یادمان نرود که دمکراسی و آزادی یکی از مهمترین خواسته انسانها است که باید طبقه کارگر

برای بدست آوردنش مبارزه کرده و با قدرت دقیقا" از همان های که خود ضددمکراسی و ضد آزادی هستند ولی به دروغ خود را مدافع دمکراسی و آزادی نشان می دهند بگیرد. و این امکان پذیر نخواهد بود مگر با نابودی سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم. آیا بدون اعتقاد به نابودی سرمایه داری که در آن عده ای محدودی بر مبنای قوانین مصوبه سرمایه داری حق دارند با در دست داشتن کلیه امکانات تولید و کار از طریق مالکیت خصوصی اکثریت میلیاردری مردم را به بردگی بکشانند می توانند دمکرات بوده و دمکراتیک عمل کنند؟ از آزادی و دمکراسی که با پول خرید و فروش می شوند صحبت کرد؟

مگر میزان ثروت اقتصادی هر انسان تعیین کننده میزان حق استفاده او از دمکراسی و آزادی نیست؟ یعنی کسی که پول برای مدرسه رفتن ، پول برای دانشگاه رفتن ، پول برای بهداشت ، بیمارستان ، گردش و خریدن کتاب ندارد و مجبور است در جامعه ای که بر مبنای مالکیت خصوصی اداره می گردد نیروی کار ، و عمر خود را که از طریق آنها می تواند از آزادی و دمکراسی استفاده کند بفروشد تا با پولی که بدست می آوردن تهیه کرده و فقط زنده بماند حال که زمان ، عمر و نیروی کار خود را فروخته تا زنده بماند دیگر وقت و نیرو و پول برای استفاده از دمکراسی و آزادی ندارد، در مقابل، کسی که مالکیت خصوصی دارد با خرید عمر، زمان و نیروی کار افراد دیگر نه تنها از دمکراسی و آزادی سهم خود استفاده می کند بلکه دمکراسی و آزادی سهم دیگران را نیز تصاحب می کند. **در نتیجه همان گونه که در نظام سرمایه داری بر اثر تضاد کار و سرمایه استثمار باعث انباشت ثروت در دستان دارنده گان مالکیت خصوصی می شود همچنین باعث می گردد که آزادی و دمکراسی نیز در دستان کسانی انباشت شود که دارای ابزار تولید و مالکیت خصوصی هستند** بر این مبنا است که می گوئیم میزان ثروت هر شخص تعیین کننده میزان حق او برای استفاده از آزادی و دمکراسی است. در نتیجه سخن گفتن از دمکراسی و آزادی در جامعه سرمایه داری یعنی جامعه ای که بر مبنای مالکیت خصوصی و فردیت نظامند است یاوه سرایی بیش نیست، حتی آنها ای که خود مالک ابزار تولید نیستند اما از سرمایه داری دفاع می کنند و اعتقاد دارند که در جامعه سرمایه داری می توان ذره ای آزادی و دمکراسی بدست آورد، خود فروخته گانی هستند که

هویت طبقاتی خود را ازدست داده و به خدم و هشم سرمایه تبدیل شده اند. **تنها زمانی تمامی انسانها از آزادی و دمکراسی به طوریکسان می توانند استفاده کنند که آزادی و دمکراسی از قید و بند مالکیت خصوصی (سرمایه داری) رها شده باشند یعنی مالکیت خصوصی در تمامی ابعادش بر چیده شده باشد یعنی سرمایه داری سرنگون و سوسیالیسم برقرار شده باشد.** یعنی دمکراسی و آزادی هرچه گسترده تر فقط و فقط با مبارزه در راه سوسیالیسم و حاکمیت طبقه کارگر امکان پذیر خواهد بود. به همین دلیل طبقه کارگر و هر کمونیست و هر انقلابی و هر کارگر پیشرو، دمکراسی و آزادی را باید جز مطالبات اولیه خود قرار بدهد تا از این طریق هم به آزادی و دمکراسی که بخشی از سوسیالیسم هستند دست یابد و هم مدافعین دروغین دمکراسی و آزادی را افشا و خلع سلاح نمایند. عبارات دیگر آیا نظام سرمایه داری که بر پایه بهره کشی از اکثریت مردم توسط عده ای انگشت شمار اداره شده و فقط با مکیدن خون زحمتکشان به حیات خود ادامه می دهد می تواند به بردگان خود آزادی بدهد که با استفاده از آن (آزادی) استثمار را یعنی نظام سرمایه داری را نابود کند؟ اگر چنین آزادی نمی دهد پس آزادی که می دهد کدام است؟ آیا همان آزادی قطره چکانی نیست که تعیین کننده مقدارش خود صاحبان ابزار تولید هستند؟ وقتی نوع و میزان آزادی را کسی یا کسانی تعیین می کنند آن دیگری آزادی نیست همان است که نمونه بارزش را جمهوری اسلامی می گوید که شما آزاد هستید آن گونه که من می گویم بپوشید یا بنوشید یا ... دقیقا" در دیگر کشورهای سرمایه داری نیز حاکمان سرمایه دار تعیین می کنند که انسانها چگونه و تا چه حدی آزاد هستند. **آزادی که انسانها در استفاده از آن حقوق برابر نداشته باشند آن آزادی و دمکراسی نیست بلکه کاریکاتوری از آزادی و دمکراسی است.** مسلما" هر کدام از ما یک سرمایه دار را با نام (آقای رستمی ، آقای مطهری ، آقای شرفی ، آقای شهرستانی ، آقای کاشانی ، حاج آقا نوری ، حاج آقا جزایری ، آقای دوز وزانی ، آقای ...) (هر کدام از آنها را می شناسیم نامش را در این جا بگذارید) (....) می شناسیم او را در نظر بگیریم که کاملا" با ساختار و قوانین نظامند سرمایه داری کار و روابطش را تنظیم کرده است. و حال فرض می گیریم که او بعنوان مجموعه ای از حاکمیت سرمایه داری در مقابل خواسته های ما که بخشی از آنها عبارتند از تشکیل حزب طبقه کارگر ، تشکیل تشکلهای پایه کارگران ،

آزادی اعتراض ، آزادی اعتصاب ، برقراری آموزش و پرورش و تحصیلات عالی رایگان ، بهداشت عمومی و بیمارستانی رایگان ... وقیام و انقلاب سوسیالیستی و نهایتا" برقراری حاکمیت کارگری ، قرار دارد. آیا او و دولت حلقه به گوشش که به عنوان ابزار سرکوب علیه ما کارگران و اجیر شدگان ساخته شده است قبول می کنند بر علیه شان اعتصاب ، تظاهرات ، قیام و انقلاب بکنیم؟! جواب - ما می گوئیم او نه تنها قبول نمی کند بلکه با شدت هر چه تاملتر اقدام به سرکوب ما می نماید. در تمام دنیا نمونه های سرکوب کارگران بدستور سرمایه داران توسط دولتشان با بهانه های گوناگون دیده ایم و در ایران همین طی سی سال گذشته تجربیات بسیار گرانبهائی را بدست آورده ایم اگر با دقت نگاه کنید در رابطه با منافع اقتصادی میان او (سرمایه دار مورد نظر ما) با هزار فامیل میلیاردر حاکم در ایران مانند فامیلی خامنه ای ، رفسنجانی ، واعظی طبسی ، سران سپاه پاسداران و که کل ثروت و امکانات مادی کشور را در دست داشته و مورد چپاول قرار می دهند و کوچک ترین حساب بانکی شان به میلیاردها دلار می رسد برای حفظ حاکمیت خود نه تنها به مردم ، حتی به دارد دسته خودشان هم رحم نمی کنند چرا که در مقابل این همه غارت و چپاول ، نا عدالتی و نابرابری که سر به آسمان می زند اگر کوچکترین روزنه ای آزادی ایجاد شود دود ما نشان بر باد خواهد رفت در این رابطه او (سرمایه دار مورد نظر ما) نیز تفاوتی با این هزار فامیل ندارد بلکه بسیاری از آنها حاکمیت را از دست داده اند و برای بدست آورد مجددش به مردم متوسل شده اند تا شاید با تکیه به مردم و جناحی از حاکمیت کنونی جناح حاکم را کنار گذاشته یا آن را وادار به پذیرش حکومت مشترک نمایند در این میان کارگران و مردم باید به مطالبات خود نه به صورت مرحله بندی بلکه بطور جدی بعنوان اصل اولیه اعتراضات نگاه کرده و بدون تفاوت گذاشتن بین دو جناح سرمایه دارخواسته های خود را از هر دو جناح بدون سازش بخواهند که اگر چنین فرصتی (فضای برای اعتراضات) از بین برود دوباره سالها باید انتظار بکشیم. سرمایه داران حاکم کنونی خود را جانشین خدا می دانند بنابراین نیازی نمی بینند به بنده گان خدا که دشمن قسم خورده آنان هستند جوابگو باشند و هیچ جوابی در مقابل اعتراضات جز درقش و زندان ندارند از حاکمان کنونی که تاریخ مصرفشان به اتمام رسیده است یگنیزیم به تمامی جریاناتی می

عوض شده است و این موضوع شاه بیت و ترجیح بند تمامی هرج و مرج طلبی و انحلال طلبیشان است. در مقابل چنین گریزی باید ثابت کرد تا زمانی که هدف (حاکمیت طبقه کارگر) بدست نیامده باشد و هنوز استعمار همچنان با شدت وجود دارد، و شالوده جامعه همچنان طبقاتی است و همچنان نبرد طبقاتی در جریان است و همچنان سرمایه داری برای باقی ماندن و جلوگیری از حرکت تاریخ و برای حفظ وضعیت موجود هر لحظه بیشتر ارتجاعی می شود و دست به سرکوبهای شدیدتری می زند و مبارزان راه سوسیالیسم کارگری رابه بهانه های مختلف قتل عام میکند با توجه به این موارد، ثابت مانده، هرگز اصول مبارزه و علم رهای طبقه کارگر و ادامه دار بودن شدت مبارزه و جریان تاریخی مبارزه تغییر نکرده است آنچه تغییر کرده شرایط جزئی و روبروئی هستند که فقط باعث تفاوت و تغییر در تاکتیک می شوند و لا غیر پس آنچه با تغییر شرایط تغییر می کند تاکتیک ها است نه اهداف و اصل و اصول مبارزه طبقاتی.

بررسی جریانات نام برده از جنبه تئوریک :

از جنبه تئوریک سوال این است که آیا نظام طبقاتی و نابرابر سرمایه داری می تواند به همگان آزادی و برابری بدهد؟ از جنبه تجربی، تمامی تجارب تاریخی حتی در آزاد ترین کشورهای سرمایه داری نشان می دهند که جواب این سوال منفی است در این تجارب چه دولت های سرمایه داری در حالات غیر انقلابی خود را آزاد منش و بی طرف نشان دادن و دولت های خلقی با توهم کارگران و ستم دیدگان را فریب داده اند. اما با شروع شرایط انقلابی هر دو نوع دولت ها بعنوان ابزار سیادت سرمایه داری بطور جدی و همه جانبه علیه انقلابیون وارد عمل شده اند. مثلاً در شورش های چند سال قبل فرانسه به عنوان آزاد ترین و دمکرات ترین کشور سرمایه داری وقتی بوی انقلاب را احساس کردند دولت سرمایه داری فرانسه تمامی عوام فریبی ها و تعارفات و ژست آزاد منشی و دمکرات بودن را کنار گذاشته و با توسل به ماده تبصره صد سال قبل سه ماه حکومت نظامی برقرار کرد با توجه به چنین تجربیاتی است که مارکسیسم ماهیت سرمایه داری را دیکتاتوری اقلیت بر اکثریت دانسته و تنها راه برقراری آزادی و دمکراسی را در درون سوسیالیسم کارگری دانسته و برای ممکن شدن آن تاکید می کند

ارتقاع نیروهای خوب آن باید با تمام قوا از جهت تئوریک و عملی دقیقاً به عنوان بخش نوک حمله سرمایه داری و تحت عنوان اپورتونیسم مدرن و ستون پنجم سرمایه داری در درون طبقه کارگر با آن مبارزه نمایند و باید بدانیم پست مدرنیسم فلسفه جدید سرمایه داری است که بدون شکست آن شکست دادن سرمایه داری غیر ممکن است. چون پست مدرنیسم انسجام نیروها را برای نابودی سرمایه داری از درون متلاشی کرده و هرگونه تشکل یابی را غیر ممکن می کند حال می دانیم که بدون متشکل شدن مبارزه با سرمایه داری غیر ممکن است از این جهت است که پست مدرنها با هر گونه نظم و انضباط و فعالیت برنامه دار مخالف هستند از این منظر آنها همان انحلال طلبان مدرن می باشند که البته همه ای آنها از دشمنان و مخالفان سر سخت لنین هستند چون لنین می گوید چاره کارگران فقط وحدت و تشکیلات است و اما انحلال طلبان مدرن (پست مدرنها) با هر گونه تشکیلات مخالف هستند و از این جهت نیز که وجود تشکیلات باعث انسجام مبارزه علیه سرمایه داری می گردد و بنابراین نبود تشکیلات به سود سرمایه داری است و چون تمامی شاخه های پست مدرنیست ها مخالف انسجام و تشکیلات هستند نتیجه می گیریم پست مدرنیسم ابزار سرمایه داری است. این جریانات چنان در میان مردم و کارگران داخل شده اند که بیشتر مواقع نقد کردن آنها مورد نقد کارگران قرار می گیرد که چرا نیروهای کارگری با هم کنار نمی آیند جواب هرچند کوتاه، به این موضوع لازم و ضرورت دارد اولاً" باید گفت مبارزه تئوریک بخش جدایی ناپذیر مبارزه طبقاتی است دوم اینکه درست است که این نیروها در درون مردم و کارگران بور خورده اند و وانمود می کنند که از منافع مردم و کارگران دفاع می نمایند اما ماهیتاً آنها و تئوری و عملشان متعلق به سرمایه داری و در جهت حفظ سرمایه داری است در واقع آنها بخشی از سرمایه داری یا خدم و هشم آن هستند که در طبقه کارگر نفوذ کرده و برای جلوگیری از مخالفت با سرمایه داری کارگران را فریب می دهند این گونه نتیجه می گیریم که سرمایه داری به وسیله و از طریق آنها به صورت مستقیم یا غیر مستقیم کارگران را به شکست می کشاند بنابراین تا آنها را افشا نکنیم و از خود نرانیم نمی توانیم با سرمایه داری مبارزه کنیم. **یکی از مهمترین ابزار پست مدرنها "شرایط تغییر کرده" است و با این ترفند از هرگونه مخمصه فرار می کنند. آنها در مقابل هر بحث اصولی می گویند شرایط**

رسیم که نمونه های بسیاری در گذشته از آنها دیده ایم از جمله آنها عبارتند از : سلطنت طلبان، لیبرالها، مجاهدین (نمونه دیگری از حکومت اسلامی) سوسیال دمکراتها (اکثریت و توده ای ها) و... که برای جای گزینی حکومت فعلی صف کشیده اند و ادعا دارند در چهارچوب نظام سرمایه داری می توان به دمکراسی و آزادی هم دست یافت. با توجه به مثال بالا بادر نظر گرفتن کاراکتر او (سرمایه دار مورد نظر ما) آیا ادعای این گروهها دروغ و یاهه سرای نیست؟ مثلاً" سوسیال دمکراتهای وطنی به همراه لیبرالهای جمهوری خواه ادعا می کنند بدون نابودی سرمایه داری کافی است جمهوری اسلامی از طریق انتخابات، رفراندوم، انقلاب مخملی و خلاصه با هر حرکتی غیر از قیام و انقلاب واقعی به یک جمهوری لائیک و سکولار برسیم مسئله حل شده و به تمام خواسته هایمان خواهیم رسید. صرف نظر از منافع طبقاتی این نیروها که به عنوان بخشهای از خرده بورژوازی و لیبرالها و تکنوکراتها سر در آخور اقتصادی و بدنبال آن فرهنگی و فلسفی نظام سرمایه داری دارند و منافع شان در کنار آمدن با نظام سرمایه داری است که تلاش دارند با عوام فریبی از انقلاب کارگری - سوسیالیستی جلوگیری کنند لازم است این مسئله از دو جنبه تئوریک و عملی مورد بررسی قرار گیرد. قبل از وارد شدن به بررسی لازم است ارتباط پست مدرنیسم با این جریانات را هرچند بسیار اندک بیان کنیم که بررسی کامل آن را در مطلب دیگری خواهیم آورد این جریانات بعضاً" تلاش می کنند خود را با رویکرد پست مدرنیستی جدا از سرمایه داری نمایش بدهند. این فریب کاران که با توسل جویی به پست مدرنیسم که رویکرد و فلسفه جدیدی برای توجیه جنایات سرمایه داری و ابزاری برای حفظ سرمایه داری است می خواهند پاسیف بودن و بی عملی خود را با سود جستن از بی هویتی پست مدرنیستی و خلط مبحث کردنها طبیعی نشان بدهند. در حالی که پست مدرنیسم از طریق سرمایه داری در واقع تولید شده است تا در مقابل تئوریهای انقلابی مانع ایجاد نماید و تمامی نیروهای که می توانستند ارتقاع یافته به انقلابی گری برسند را در خود حل کند که از این ره گذر انقلابی ترین این نیروها به دریچه اطمینان جهت تخلیه خشم و انزجار قبل از تبدیل شدن به انفجار علیه سرمایه داری شده اند. به این دلیل پست مدرنیسم و پست مدرنیستها ابزار دست سرمایه داری بر علیه طبقه کارگر هستند در نتیجه کارگران ضمن رد پست مدرنیسم و جذب و

راهی جز در هم شکستن ماشین دولتی بورژوازی به عنوان وظیفه اساسی و اولیه انقلاب کارگری و جای گزین کردن شوراهای مسلح توده ای به جای آن که مهمترین خط ممیزه جریان سوسیالیسم انقلابی با جریانات غیر کارگری است. البته اشکال سرکوب دولت های سرمایه داری با توجه به خود ویژگی های کشورها و همچنین چگونگی عوام فریبی این دولتها و با توجه به شرایط هر کشور فرق می کند اما ماهیت سرکوبگری و دیکتاتوری اقلیت بر اکثریت دولت سرمایه داری بعنوان چماق و ابزار حفظ سیادت طبقه سرمایه دار در هر شرایطی حفظ شده و دفاع از روند بهره کشی وصیانت و پاسداری از ادامه آن است. حال سرمایه داران حاکم خواه آیت الله ها، سران سپاه بوده یا خاندان پهلوی و خرم، باتمان قلیچ باشد یا راکی فیلر، مورگان شوستر، بیل گیتس، مک دونالد آمریکای و... باشد فرقی نمی کند هر کدام هر گاه احساس خطر بکنند از لاک مردم دوستی و عوام فریبی و آزادیخواهی و دمکرات منشی خارج شده برای حفظ سرمایه داری دست به جنایات غیر قابل باور می زنند از جمله که دیده ایم عبارتند از سپاه پاسداران و سربازان گمنام امام زمان و دیگر نیروهای اسلام در زندان اوین و کهریزک ضمن اعمال بدترین شکنجه ها، به زندانیان دسته جمعی و فردی تجاوز جنسی می کنند درست همتراز این حرکت اسلامی ها و طرفداران مردم سالاری دینی، طرفداران آزادیخواهی و دمکراسی در حاکمیت امریکا به توسط نیروهای نظامی و سیا در زندان گوانتانامو و ابوقریب زندانیان را برهنه کرده کیسه ای بر سرشان کرده یا در مقابل سنگهای وحشی قرار می دهند یا بر روی سرو صورت آنها ادرار می کنند و همچنین مورد شکنجه و تجاوز قرار می دهند صدها از این موارد مشابه ای که سرمایه داری اسلامی و سرمایه داری آزاد آمریکایی انجام داده اند را می توان بیان کرد که حتی چگونه مانند هم تلفن های مردم را شنود می کنند و الی آخر، بنا به این شواهد عینی است که می گوئیم با اندک تفاوتی در ظاهر ذاتا" و ماهیتا" سرمایه داری ایران اسلامی با دیگر کشورهای سرمایه داری تفاوتی ندارند بنابراین میان احمدی نژاد با سارکوزی، براون، مرکل، اوباما، جورج بوش و... ذره ای تفاوت وجود ندارد بلکه همه آنها مهره های هستند تا ابزار سرکوب را هدایت کنند. با توجه به چنین ماهیتی است که لنین می گویند درست است که حکومت سرمایه داری می تواند شکل های مختلفی داشته باشد ولی تمامی

آنها ماهیتا" ابزار سرکوب علیه طبقه کارگر و پیش برنده دیکتاتوری بورژوازی علیه دیگر طبقات است. در مقابل چنین جنایاتی که تمامی حکومت های سرمایه داری مرتکب می شوند وظیفه کمونیستها و کارگران انقلابی نابودی ابزار سرکوب طبقه سرمایه دار از طریق قیام مسلحانه و انقلاب است. کارگران تنها با نابودی نیروی مادی سرکوب (دولت به معنای کلی آن) است که می توانند ابزار تولید و امکانات کار را از دست طبقه سرمایه دار خارج کرده و در اختیار کل مردم جامعه و متشکل در شوراهای مسلح کارگری قرار دهند و با خود مدیریتی کارگران و ستم دیدگان بر روند تولید و توزیع و مصرف عملا" مردم بر سرنوشت خود حاکم می گردند آزادی واقعی مردم حتی آزادی سرمایه داران از ماهیت ددمنشانه سرمایه داری به معنی واقعی کلمه تحقق می یابد. اما از طرف دیگر در چنین حکومتی که اکثریت محرومین به آزادی واقعی می رسند بدون سرکوب نیروهای دشمن طبقاتی که می خواهند شرایط بهره کشی را حفظ کنند یا باز گردانند آزادی اکثریت نمی تواند دوام یابد. انگلس رهبر کبیر کارگران در نقد کمون پاریس که نتوانست از اسلحه خوب استفاده کند و به دشمن مجال داد تا به کمون حمله کرده و آن را نابود کند کمون را مذمت می کند که آزاد گذاشتن دشمن طبقاتی یعنی باز گذاشتن راه بازگشت شرایط بهره کشی یعنی آزادی اقلیت انگل جامعه در به بردگی کشاندن دوباره کل جامعه. و این در صورتی است که هنوز روش تولید، توزیع و مصرف، عادات انسانها و فرهنگشان بورژوازی است و هنوز حکومت طبقاتی است، هنوز طبقات در جامعه وجود دارند بنابراین دولت طبقاتی لازم است تا زمانی که هر روز روند زوال طبقات و بدنبال آن روند زوال دولت به سمت جامعه بی طبقه پیش برود تا جاییکه طبقات و ابزار حاکمیت (دولت) کاملا" زوال یابد. فقط در آن زمان حاکمیت بورژوازی (سرمایه داری) برگشت ناپذیر می شود.

فقط در حکومت سوسیالیستی - شورایی کارگران است که اراده کل تولید کنندگان بر جریان تولید و توزیع در هدایت و سازماندهی آن حاکم شده و با از بین رفتن بهره کشی فرد از فرد شکوفایی فرد، شکوفایی جامعه و بالندگی جامعه، بالندگی فرد را سبب می شود. که دمکراسی و آزادی به معنی اعمال اراده اکثریت جامعه بر سرنوشت خود در تمامی عرصه های زندگی تبدیل می شود و با نابودی مالکیت خصوصی بر وسائل تولید هر گونه انگیزه

فردی در سرکوب و استثمار انسان از انسان رخت بر می بندد. آنچه که تمامی سوسیال دمکراتها و خرده بورژواها بنام آزادی و دمکراسی بدون برقراری سوسیالیسم بطور کلی بیان می کنند عوام فریبی و خیالاتی بیش نیست. آزادی و دمکراسی در جوامع طبقاتی معنی مشخص طبقاتی دارد فقط در موارد عوام فریبی و گول زدن توده های مردم است که حالت کلی به خود می گیرد. بدین جهت سوسیال دمکرات ها همیشه بصورت آلت دست و نوکر سرمایه داری جهت فریب مردم مخصوصا" در شرایط انقلابی عمل کرده اند و حالا در شرایط انقلابی موجود در ایران بزرگترین خطر برای انقلاب کارگری آینده ایران به حساب می آیند. به لحاظ طبقاتی تمامی منافع آنها تنیده به اقتصاد سرمایه داری بوده و به عنوان بخشی از متخصصین (تتوکراتها) در حد لایه های بالای خرده بورژوازی و لیبرالها سر در آبشخور اقتصاد سرمایه داری دارند. سازمان فداییان اکثریت و حزب توده خود و هوادارانشان و حتی انقلابی ترین آنها تا زمانی که خود را به هر دلیل و به هر نوعی وابسته به اکثریت و حزب توده بدانند و از آنها کنده نشوند و آنها را از جهت اعمال گذشته و تنوریهایشان نقد نکنند کارگری بودنشان و انقلابی بودنشان پناه سرای است و بس. چون آنها با پشت کردن به تمامی سنتهای دمکراتیک و گذشته انقلابی در چرخشهای آشکار بخصوص برای فداییان در اوایل انقلاب ۵۷ مانند برادر بزرگشان (حزب توده) سر در دامن نظام سرمایه داری گذاشتند سازمان فدائی اکثریت در همکاری نزدیک با حزب توده و تأیید حکومت اسلامی و تقویت توه مردم نسبت به حکومت اسلامی عملا" در سناریوگودالوپ که سرمایه جهانی برنامه ریزی کرده بود با سرمایه داری جهانی همگام شده در سرکوب انقلاب ۵۷ و کلیه دست آوردهای آن شرکت کردند و بدنبال شکست بلوک رویزیونیستی شرق این سازمان مانند تمامی همپالگی هایشان در کشورهای مختلف در چرخشی علنی جبرا" به مارکسیسم بعنوان ایدئولوژی طبقه کارگر پشت کرد و از آن تاریخ تا به این روز در تمامی پروژه های سرمایه داری همگام با جناح های اصلاح طلب داخلی و خارجی و به عنوان بخشی از آنها در مقابل انقلاب و خطر رادیکالیزه شدن اعتراضات ایستاده و به عنوان پاسبان سرمایه جهانی و داخلی عمل کرده اند. در جریان انتخابات اخیر چنان در تأیید موج سبز مورد حمایت سرمایه داری تعارف را کنار گذاشته به آن چسبیده اند که مورد دعوت تلویزیون

امپریالیستی آمریکا قرار گرفته اند و همچنین بصورت فریب کارانه مورد لطف و مرحمت بی بی سی نیز قرار دارند. طبقه کارگر ایران باید بداند این مهره های فریب کار سرمایه داری چطور دیروز همگام با امپریالیسم جهانی حکومت خمینی را در مقابل انقلاب ۵۷ تقویت کرده و به عنوان جاسوسان حکومت اسلامی و ولایت فقیه عمل کردند و الان هم رنگ شعار های بزرگی که این سازمان روی دیوارها نوشته اند پاک نشده است (پاسداران را به سلاح های سنگین مسلح کنید) یا در سرکوب کمونیست های شمال (آمل) طی اطلاعیه نوشتند (خون پاسدار و فدایی درهم آمیخت) منظور همان پاسدارانی است که تمامی انقلابیون را در تمامی ایران به خاک و خون کشیدند، کردستان را با همان سلاح های سنگین مورد اهدایی فداییان اکثریت به تل خاک مبدل کردند، خلق ترکمن را سرکوب کردند، کشتارهای خیابانی دهه ۶۰ را پیش بردند و کشتارهای سال ۶۷ را پیش بردند همچنین وزارت اطلاعات را سازمان داده تمامی تشکلهای و احزاب را سرکوب کردند همچنان از متشکل شدن کارگران و زحمتکشان جلوگیری می کنند و در حال حاضر همان پاسداران هستند (سپاه محمد رسول الله) که اعتراضات خیابانی مردم را با هر گونه جنایت سرکوب می کنند و زندانیان را ضمن شکنجه مورد تجاوز فردی و دسته جمعی جنسی قرار می دهند و همین پاسداران هستند که دولت و تمامی ابزارها را در دست گرفته و تمامی اقتصاد را بین خودشان تقسیم می کنند و... شاید سازمان فدائیان اکثریت بگوید در آن زمان کسی نمی دانست پاسداران این چنین خواهند شد که البته این دروغ محض است چون پاسداران از همان اول تشکیل دست به جنایت می زدند و مهمتر که اگر یک سازمان انقلابی، پیشرو کارگری بخصوص مارکسیستی باشد باید با توجه به ساختارها و تئوری و اعمال یک نیرو بتواند تحلیل کند که آن چگونه نیروی است و این مورد نشان می دهد که سازمان فدایی اکثریت نه تنها انقلابی و مارکسیستی نبود بلکه در خدمت سرمایه داری برای فریب توده ها قرار داشته و دارد. الان این مزدوران سرمایه داخلی و خارجی می خواهند به بهانه آزادی و دموکراسی با برقراری حکومت سکولار و لائیک جلو انقلاب کارگری را سد کنند در مقابل ما کارگران باید با سازمان یابی و متشکل شدن در

سازمان سیاسی (حزب خودمان) بر اساس ایمان به حکومت خودمان (شورایی - سوسیالیستی) صف مستقل خود را از تمامی جریانات سرمایه داری جدا کرده و با تمام توان رهبری اپوزسیون ضد جمهوری اسلامی را دست خود بگیریم بدون این کار خائنین مانند تمامی همپالگی هایشان در دنیا مردم را فریب داده و با دور کردن مردم از انقلاب کارگری به سرمایه داری خدمت خواهند کرد. همان گونه که در انقلاب ۵۷ ایران، ۱۹۱۹ آلمان، فنلاند. بعدها در امریکا بعنوان دستیاران سرمایه داران در قتل عام کمونیستها و کارگران انقلابی نقش اصلی را ایفا کردند. اگر نظام سرمایه داری با نام جعلی انقلاب اسلامی و مبارزه دروغین ضد امپریالیستی سی سال به عمر ننگین غارت گرایانه خود ادامه داده است، پس چرا حالا به بهانه دموکراسی و آزادی با ترفند جمهوری سکولار و لائیک سی سال دیگر ادامه ندهد؟! عناصر صادق و انقلابی سازمان فدایی اکثریت و حزب توده باید با منفک شدن از آنها و با نقد گذشته این دو جریان و با پیوستن به جریانات سالم و انقلابی ضمن روی آوردن به فعالیت انقلابی از ننگ و خیانت آنها خود را مبرا کنند. برای طبقه کارگر فرقی ندارد که در راس حکومت فاشیستی به شکل مذهبی یا لائیک خامنه ای یا خاندان پهلوی، فقه های دینی باشند یا سران سپاه پاسداران یا فرخ نگهدارکراتی که همگی خدمت گذار سرمایه و دشمن کارگران هستند این مناسبات اجتماعی - اقتصادی ایران است که با گندیدگی و انگلی بودنش دیکتاتوری های عریانی می آفریند نه برعکس. باید فقط از طریق انقلاب کارگری می توان به این پارادوکس پایان داد.

بررسی موضوع از جنبه عملی و نزدیک :

طبق آمار خود جمهوری اسلامی نزدیک به ۱۰۰۰ خانواده میلیاردی در بیش از ۹۰ درصد اقتصاد ایران را در دست دارند و مستقیماً مورد غارت و چپاول قرار می دهند این زالو صفتان در پیش برد برنامه های سرمایه جهانی و غارت های خود باعث فقر هشتاد درصدی مردم و فلاکت و بیکاری و گرسنگی همگانی هستند و همچنین آگاهانه می دانند روی بشکه باروت خشم هفتاد میلیون انسان ایستاده اند که با ایجاد شدن کوچکترین روزنه امید آنها را به آسمان پرتاب خواهد کرد در چنین وضعیتی است که نه تنها مردم را قتل عام می کنند بلکه به خودشان هم رحم نمی کنند. از شدت خیانت

و جناباتی که مرتکب شده اند تنها به نیروهای سرکوب داخلی اعتماد نکرده بلکه از خارج برای سرکوب مردم نیرو آورده، آموزش می دهند. حتی برخی از نیروهای خود را مانند برخی از سران سپاه و ارتش را ترور می کنند. حالا در چنین فضایی لیبرالها و سوسیال دمکراتها که سر در آخور این رژیم و منافع اقتصادی در این سیستم انگلی دارند از این فاشیستها می خواهند که: جان من آقای خامنه ای، واعظی طیبی، رفسنجانی، آقای آژه ای، احمدی نژاد و سران محترم سپاه و... لطفاً بگذارید رفراندوم برگزار کنیم؟! حتی برخی از این جریانات آنها را نصیحت می کنند که اگر اجازه اصلاحات ندهید اعتراضات رادیکال شده و بقول برژنسکی طراح سیاست های سرمایه داری "رادیکالیسم بزرگ ترین خطر برای سرمایه داری است" تمامی تلاش سوسیال دمکراتها، لیبرالها و... در حمایت از موج سبز عمل کردن به نصیحت بزرگان سرمایه داری است تا قبل از اینکه اعتراضات رادیکال شود با یک رفراندوم، انقلاب مخملی یا انتخابات قال قضیه را بکنند تا سرمایه داری و ارکانهای آن دست نخورده باقی بماند. در مقابل ما کارگران وظیفه داریم اعتراضات را هرچه رادیکالتر کرده و با ایجاد حزب سیاسی خود بر اساس ایمان به حکومت شورایی - سوسیالیستی کارگران صف خود را از تمامی جریانات سرمایه داری جدا کرده و با ایجاد جبهه سوم (جبهه سرخ) تمامی اپوزسیون دمکرات رژیم را زیر پرچم خود بیاوریم. در این راه پیوند سازمانهای کمونیستی در جهت ارتباط ارگانیک با طبقه کارگر بر اساس پلاتفرم سوسیالیستی و سازماندهی مبارزات طبقاتی دارای اهمیت اساسی است که زمینه ساز تشکیل حزب رزمنده طبقه کارگر است که تنها ابزار تحقق حکومت سوسیالیستی - شورایی کارگران می باشد. و همچنین آزادی و دموکراسی واقعی و برابری و عدالت اجتماعی فقط در حکومت سوسیالیستی - شورایی کارگران که بعنوان اراده اکثریت جامعه در سازماندهی و اداره امر تولید و توزیع و... نهادینه شده و پایدار می شود امکان پذیر میگردند که توده های کارگران و زحمتکشان در حکومت خود بر سر نوشت شان حاکم باشند. یا به قول کمونیستهای فرانسه این شعار عملی شود

" یکی برای همه و همه برای یکی "

پیش بسوی برقراری سوسیالیسم

اعتیاد و مواد مخدر ابزار رژیم اسلامی برای مقابله با مبارزات انقلابی است.

حاکمیت سرمایه داری به طور قطع از اعتیاد نجات نخواهد یافت و با وجود نظام های سرمایه داری خطر اعتیاد دائما و شدیداً جوانان و خانواده هارا تهدید می کند. تنها با برقراری حکومت سوسیالیستی کارگران است که می توان اعتیاد را ریشه کن کرد. و امروز تنها با نابودی انقلابی حکومت مافیایی اسلامی سرمایه داران است که انرژی کل جامعه در یک جامعه کارگری برای سازندگی انقلابی و تربیت سوسیالیستی - انسانی آزاد می گردد.

برای نجات جامعه از استثمار، اعتیاد ، فحشا ، بیکاری ، بیماری و... ، برقراری امنیت ، برابری اجتماعی، سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی، برابری در آزادی و دموکراسی و... پیش به سوی سوسیالیسم.

در حکومتی که خود را در جایگاه نماینده خدا قرار داده و تا خدا بودن ارتقا داده است و هر معترضی را با نام خدا و خدمت به خدا و قرآن و رسول خدا نابود کرده و هفتاد میلیون انسان را برده و بنده خود تلقی می کند ، در حکومتی که در ترس از انقلاب کوچکترین روزنه آزادی بیان، عقیده و اندیشه و... بسته می شود و در حکومتی که اراده انسانها زیر فشار گرسنگی ، بیکاری ، خرافات مذهبی خرد و لگد مال می گردد. در مقابل چنین هجمه فشار مواد مخدر که کانالهای توزیع آن توسط رژیم اسلامی بستر سازی شده است بهترین و در دسترس ترین جایگزینی برای انسانهای تسلیم شده و بد بخت می باشد. تنها با سرنگونی انقلابی و قهر آمیز حکومت فاسد اسلامی سرمایه داری می توان در یک حکومت سوسیالیستی - شورایی برپایه برابری و برادری و مساوات در کنار هم در رفاه و سعادت فردی و جمعی زندگی کرد تنها در حکومت سوسیالیستی کارگری است که ریشه مواد مخدر کننده می شود چرا که هدف حکومت سوسیالیستی کارگری نه سود و منفعت خصوصی و حیوانی بلکه هدف آن خوشبختی و سعادت انسانهاست.

برای نجات انسانها از اعتیاد ، فحشا و برقراری برابری و عدالت پیش بسوی سوسیالیسم.

و فوراً یافت می شود) و پانصد تن از مواد وارد شده به مصرف می رسد (رقمی که عاید سران حکومت فاشیستی - اسلامی از محل مصرف ۵۰۰ تن می شود معادل ۱۵ درصد در آمدنفت یعنی ۳ میلیارد دلار می گردد. و با ز طبق گفته فرمانده نیروی انتظامی بقیه مواد وارد شده (۱۸۰۰ تن) ترانزیت می شود . البته با هماهنگی حکومت اسلامی در همکاری نزدیک با شبکه های جهانی که از طریق سازمان سیا به خارج از ایران هدایت و ترانزیت می شود. تجارت جهانی نشان دهنده این مسئله است که در نظام های سرمایه داری به دلیل اینکه هدف فقط سود بیشتر و منافع خصوصی شرکتها و افراد سرمایه دار است و چون فروش مواد مخدر منافع سرشاری به ارمغان می آورد سرمایه داران با حمایت دولتهایشان و با طیب خاطر اقدام به تجارت مواد مخدر می کنند. طبق آمار جهانی پخش مواد مخدر که بخش عمده آن در اختیار سازمان سیا است سرمایه داران از خرید و فروش آن بطور عمده فروشی سالیانه ۱۲۰ و بصورت خرده فروشی ۲۰۰ میلیارد دلار سود خالص به جیب می زنند. توجه به این موضوع می توان درک کرد که پس از ورود امریکا به افغانستان چرامین های زیر کشت خشخاش به ۱۵۰ برابر و تولید هروئین به ۴۷ برابر افزایش یافته است. (طبق آمار های سازمان ملل)

همانگونه که اشاره شد با تباه و نابود کردن فعالترین افراد جامعه یعنی جوانان، سرمایه داران در کل و جمهوری فاشیستی - اسلامی بطور خاص سعی می کنند به عمر ننگین خود در بهره کشی و غارت کارگران و زحمتکشان تداوم بخشند. نبود یک آلترناتیو انقلابی - کارگری (حزب سیاسی کارگران) که بتواند رهبری سیاسی انقلابی جامعه را بر ضد رژیم سرمایه داری و سرنگونی آن هدایت کند باعث مزید بر علت یاس و ناامیدی و افسردگی جوانان می شود. بنابراین گرایش آنان به مواد مخدر که توسط سرمایه داری بستر آن مهیا و گسترده تر گردیده است بیشتر می شود.

جوانان و اقشار صدمه دیده از مواد مخدر (دام سرمایه داران) و خانواده های آنها باید بدانند مسئله اعتیاد یک موضوع کاملاً سیاسی بوده و مبارزه با آن و نجات فرزندان شان در روی آوردن آنها و خانواده ها به مبارزه انقلابی برای سرنگونی رژیم فاشیستی - اسلامی سرمایه داری است. هرگز جوانان و خانواده هایشان با وجود

طبق آمار جدید سازمان ملل ایران با ۱۳ میلیون خانواده معتاد نسبت به جمعیت خود معتاد ترین کشور جهان است. همچنین بنا به اعتراف مسئول "کمیته مبارزه با مواد مخدر" ایران بزرگترین مصرف کننده هروئین جهان است. در همین حال سن فحشا در ایران به ۱۱ سال رسیده و همچنین توسط باند های مافیای حاضر در قدرت دختران را به فجیره ، کراچی و ... صادر می کنند. با تکیه به این واقعیت های انکار ناپذیر است که می گوئیم نظام فاشیستی - اسلامی ایران حکومت اعتیاد، فحشا، دزدی ، اعدام ، بیکاری و... است که دقیقاً مانند تمامی حکومت های سرمایه داری جهان از مواد مخدر بصورت دوجانبه استفاده می کند. از یک طرف با به فساد کشاندن و تباه کردن فعالترین بخشهای جامعه بخصوص جوانان که پتانسیل مبارزاتی بالایی دارند آنان را از مبارزه و پیوستن به سازمانهای رزمنده باز می دارند و از طرف دیگر از فروش مواد مخدر ثروت هنگفتی به جیب می زنند .

بنابیه گزارشاتی از درون نظام فاسد اسلامی و کسانی که در رابطه با مواد مخدر در درون نظام بودند و حالا از ایران فرار کرده اند ، بیشتر سران نظام از جمله خامنه ای ، ناطق نوری ، رفسنجانی و عده ای از سران سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات در راس هرم تشکیلات و مافیای مواد مخدر قرار دارند و نقش اصلی را در وارد کردن ، توزیع کردن و ترانزیت آن به دیگر کشور ها را بعهده دارند . به اعتراف یکی از پناهندگان که از اعضای مافیای حکومتی بوده و فرار کرده و در داخل فعالیت ده ساله مخدری داشته است مافیای مواد مخدر علاوه بر توزیع در ایران با برادر بزرگتر خود سازمان جاسوسی آمریکا "سیا" ارتباط نزدیک دارد. همچنین بنابه اعتراف فرمانده نیروی انتظامی سالانه ۲۵۰۰ تن مواد مخدر از خارج وارد ایران می گردد که دوپست تن آن کشف می شود(البته دوباره وارد شبکه توزیع می گردد) از این محل و توسط خود نیروی انتظامی است که در تمامی زندانها مواد مخدر به

بحران ساختاری نظام سرمایه داری دلالی ایران و رشد جنبش کارگری

لحاظ نگاهی به اوضاع کنونی کارگران مخصوصاً کارگران صنعتی بعنوان ستون فقرات این طبقه خالی از فایده نمی باشد: بطوریکه اشاره شد رشد نیرو های مولد (ابزار تولید + نیروی کار) بر اثر انقلابات علمی با مناسبات اقتصادی سرمایه داری که هدفی جز بهره کشی و سود ندارد و عامل حذف کارگران از روند تولید است، در تضاد لاینحل قرار گرفته و در نتیجه باعث توقف ورکود کامل اقتصاد بعنوان پایه اساسی زیر بنای جامعه تبدیل شده و در نتیجه صفر شدن قدرت خرید میلیاردری انسانهای بیکار شده انگیزه تولید در نظام سرمایه داری که در آن همه چیز برای فروش و منافع و سود تولید میشود از بین رفته و این سیستم انگلی تحت فشار بحران ساختاری و مرگ قرار گرفته است. گرایش اساسی سرمایه از دهه های قبل به سرمایه مالی انگلی (بانکها + نزول خواری + بورس) اساساً از این ترمز اساسی آن در عرصه تولید ناشی میشود و با ترکیدن این حبابهای پوشالی سرمایه که از بانکهای آمریکا شروع شده به کل دنیا کشیده شده بحران جهانی نمود عینی و علنی خود را نشان داد در این راستا علی رغم شعارهای عوام فریبانه دولت احمدی نژاد که مجری بلا اراده و سگ سرمایه جهانی در عرصه تمامی سیاستهای اقتصادی آن است و گفتن اینکه ما تحت تاثیر بحران قرار نخواهیم گرفت با شروع سال ۸۸ این بحران که از قبل ادامه داشت ابتدا در واحد های کوچک صنعتی و سپس در واحدهای بزرگ خود را در ابعاد گسترده نمایان کرد. (البته اقتصاد ایران قبل از شدت یابی بحران اقتصادی جهان خود به شدت بحران زده بوده و هست) هنوز ۴ روز از پایان تعطیلات نوروزی نگذشته بود که اخراج کارگران گروه سامان، سپس مراکز مخابراتی سقزو بعد واحدهای مختلف آذربایجان شرقی، کرمانشاه، ایران صدرای بوشهر، لوله سازی اهواز، هواپار، روژن آزمون، زیبا بلندگاه و... صدها کارگاه ریز و درشت را در بر گرفت. نگاهی به آمار اداره ی بورس

الکترونیک و کامپیوتر (انفورمانیک) به نهایت درجه تکامل رسیده، اما نظام سرمایه داری جهان بر اساس مالکیت خصوصی حدوداً ۴۱۴ شرکت چند ملیتی در ضدیت و ناسازگاری کامل با این تکامل قرار گرفته است چرا که هرگونه تکامل ابزار تولید باعث حذف کارگران از مدار تولید و از بین رفتن قدرت خرید آنان و بنابراین توقف کامل باز تولید گسترده سرمایه و در نتیجه نابودی آن میشود بنابراین بدون نابودی نظام سرمایه داری و حکومت حافظ آن تکامل هر چه بیشتر وسایل تولید فقط و فقط عامل فلاکتی بیش از این خواهد شد. نگاهی به آمار نشان دهنده پیش بینی های داهیانیه رهبران کارگران جهان مارکس، انگلیس لینن و... در افزایش فاصله و تضاد طبقاتی و مرگ جبری نظام انگلی سرمایه داری می باشد. ۴۱۴ شرکت چند ملیتی ۵/۲ میلیارد کارگر و ۳ میلیارد کشاورز را مورد غارت و بهره کشی قرار میدهند، رشد شدت بهره کشی از ۱ به ۹۹ نیست به ۱۰۰ سال پیش رسیده است و دو سوم بشریت زیر خط بودن هستند. بطوریکه ۱ میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفر با کمتر از ۱ دلار زندگی میکنند (مرگ تدریجی) مرگ سالیانه ۱۶ میلیون کودک و... همه و همه نشانگر شروع مرگ نظام سرمایه داری و ضرورت سازماندهی طبقه کارگر در سطح ملی و جهانی بر اساس اعتقاد به مارکسیسم است. بدین منظور از یک طرف برای نابودی نظام سرمایه داری و رسیدن به حکومت شورایی کارگران، حزب خاص طبقه کارگر بر اساس منافع مستقل خود و حکومت سوسیالیستی آنان ضرورت فوری طبقه کارگر بوده و از طرفی، درک اوضاع کنونی کارگران برای ارائه راه کارهای مناسب از اهمیت اساسی برخوردار میباشد. طبقه ۴۳ میلیونی کارگران ایران بعنوان مولدین تمام ثروتهای جامعه و گردانی از ارتش ۵/۲ میلیاردی کارگران دنیا باید همسو با برادران و خواهران جهانی خود در جهت اهداف بالا صفوف خود را یکپارچه و متحد سازند، از این

کشور ایران با اقتصاد بیمار و سرمایه داری دلالی آن در طول چندین دهه اخیر همیشه از یک بحران ساختاری رنج برده است. چرا که بر اساس نیازهای سرمایه داری جهانی در تقسیم وظایف جهانی برای آن فقط روی نفت برنامه ریزی شده و از این جهت چه در دوره شاه و چه الان حکومتیان بصورت دلالان امیر یا لیسم جهانی حافظ و تنظیم کننده این شرایط بوده و در قبال این پاسداری و نوکری بعنوان شریک در بهره کشی و چپاول کارگران و ثروتهای ملی عمل کرده اند. با توجه به تک محصولی بودن اقتصاد و درآمدهای سرشار آن، حکومتی موجود با سازماندهی بوروکراسی اعظیم اداری، نظامی، اطلاعاتی در ترس از انقلاب و خیزشهای قهرآمیز فرودستان به علت شدت بحرانهای سیاسی اقتصادی در ماندگی و جوابگو نبودن به مردم خود را در مقام سایه خدا (حکومت شاه) و یا نماینده خدا (حکومت اسلامی) قلمداد کرده اند. البته به غیر از این هم چاره ای نداشتند چرا که در سایه نظام دلالی سرمایه داری عده ای انگشت شمار به آنچنان ثروتی دست یافته و در مقابل اکثریت عظیم زحمتکششان به چنان فلاکتی دچار کرده اند که در مقابل آتشفشان خشم این توده سهمگین به غیر از سرکوب عریان و شدید هیچ راهی نگذاشته اند. با ورود سرمایه داری جهانی به بحران ساختاری و ورشکستگی کامل و ضرورت جهانی سازی و تشدید چند گانه اشکال بهره کشی در حذف تمامی امکانات آموزشی، درمانی، خدماتی، یارانه... و همچنین روی آوری آن به کار ارزان در اشکال کار کودکان و زنان و اشکال پست تر بهره کشی از قبیل برده داری جنسی، نزول خواری، مواد مخدر، نظامی گری و فروش سلاح این نظام به اوج بربریت و توحش گام گذاشته و به عامل بیکاری، فقر، گرسنگی... میلیاردری تبدیل شده است. در زمانی که رشد سریع نیروهای مولد (ابزار تولید + نیروی کار) در اثر انقلاب در عرصه صنعت و

جمهوری اسلامی ابعاد بحران را در صنایع تولیدی مشخص تر میکند: کارتن سازی مشهد، کشت و صنعت چین چین، پلی اکریل اصفهان، پتروشیمی شیراز، مهندسی تکنوتار، تجهیز نیروگاه زنگان، نورد و لوله اهواز، وحتی کمباین سازی ایران، تولید سموم علف کش، پارس الکترونیک، ایران مرینوس، آذر آب، لاستیک البرز و دنا، پیام و جهان نما، ایران خودرو، صدرا، آرتا ویل تایلر، آزمایش، ایران پویا، ساسان و دهها شرکت کوچک و بزرگ در بحران اقتصاد انگلی - دلالی سرمایه داری ایران با بحران شدید مخصوصاً مالی دست و پنجه نرم میکنندو طبق اطلاعات سازمان بورس در زمره شرکت های زیان ده قرار دارند که تمام معاملات آنها متوقف شده است و برخی از آنها در آستانه اخراج از بورس هستند. برخلاف ادعای دروغین و دروغ شاخدار دولت نظامی خامنه ای - سپاه در سایه بحران جهانی و بعثت ادامه این بحران در نظام سرمایه داری و البته ایران بعنوان بخشی از نظام جهانی سرمایه داری و دولت سگ زنجیری آن غول های صنعتی از پای می افتند که پایه و اساس صنعت هستند و در شرایطی که دلارهای نفتی غارت شده به جیب باندهای خامنه ای و سرداران سپاه و... سرازیر میشود(در حالی که این پولها در یک حکومت کارگری می تواند به اقتصاد صنعتی تزیق شده و باعث رونق بالای آن شود) این پولهای غارت شده از طریق دلالی یا سرمایه جهانی و برای تامین منافع آن، به عامل بدبختی و رکود کامل صنایع پایه ای تبدیل شده است که نه تنها صنعت بلکه کشاورزی (واردات ۸/۵ میلیون گندم) واردات برنج (عامل بدبختی برنجکاران) واردات چای (بیکاری بیش از یک میلیون چایکار) و دیگر صنایع از جمله قند و شکر و... شده است در این سیستم دلالی با کمک حکومت سگ دلان سرمایه و پولهای نفت تحت اختیار باندهای مافیای دولتی با استفاده از رانت دولتی و واردات کالا های خارجی در کمک به اربابان خود (چای، برنج، قطعات ماشینی، شکر، پارچه...) به عامل فلاکت، بیکاری و نابودی کامل تولید تبدیل شده است و از این جهت دست

اربابان خود را برای دسترسی به نیروی کار ارزان کاملاً باز کرده است؛ در این راستا شرکتهای از پای می افتند که اساس تولید ما هستند. مانند شرکت سرب ایران، تراکتور سازی تبریز، کشت و صنعت شمال، لوله سازی اهواز، ایران صدرا، بوشهر، ایرانکو، کارخانه بزرگ آلومینیوم سازی ایران، و دست آخر ایران خودرو، سایپا و...، بر اساس فهرستی مشترک که توسط وزارت امور اقتصاد و دارائی و سازمان بورس به شورای پول و اعتبار ارائه شده ۲۱۳ شرکت بزرگ و بعضاً غول آسای کشور دچار بحران و در معرض تعطیلی قرار گرفته که ۷۰ شرکت از بورس اخراج؛ و ۹۳ شرکت در معرض زیان دهی؛ و ۹۳ شرکت دولتی که زیان دهی عملیاتی آنان در بودجه گنجانده شده اند مثل ایران خودرو که روزی ۲۰ میلیارد تومان در آمد دارد تحت غارت باندهای مافیای اسلامی در معرض ورشکستگی قرار دارد. در عرصه بخش بزرگ دیگر اقتصاد در سایه چپاول و غارت باندهای نظامی - دلالی - حکومتی وضع از این هم بدتر است طبق آمار بانک مرکزی در حوزه ساخت و ساز مسکن در سال گذشته (۸۷) بیش از ۵۰۰ شرکت و واحد تولیدی در عرصه ساختمان با بیش از ۲۴۰ هزار نفر کارگر تعطیل شده است طبق همین سند بانک مرکزی در حوزه صنعت در ۶ ماهه نخست سال ۸۷ در دولت مهرنواز با نوازش سرمایه داران دلال جواز صا در شده نسبت به سال ۸۶؛ ۳۰ درصد کاهش نشان میدهد. برخلاف ادعای دروغین و شعارهای عوام فریبانه دولت سگ دلان حاکم، طبق آمار خود همین دولت که صد البته بسیار ناقص میباشد کشور تحت حاکمیت حکومت اسلامی با سرعت شتابان به رکود بی سابقه و عظیم اقتصادی دچار شده و حتی در حد سرمایه داری برنامه برای برون رفت از این اوضاع در دست دولت نظامی موجود نمیشد و غیر از سرنگونی انقلابی این حکومت و برقراری نظام سوسیالیستی شورایی نمیتوان از این گرداب بیرون آمد و این مسئله فقط در سایه سازماندهی و ارتقاع مبارزه طبقاتی کارگران میسر می گردد. که در آن با اتصال نیروهای مبارز

سوسیالیستی بر اساس پلتفرم انقلابی - سوسیالیستی با بدنه مبارزاتی کارگران و تشکیل حزب طبقه کارگر بعنوان ستاد فرماندهی کل طبقه در جهت نابودی و سرنگونی نظام موجود حرکت کرده و با برقراری حکومت شورای کارگران به بن بست موجود خاتمه دهند بدین جهت نگاهی تیتروار به مبارزات کارگران بعنوان ستون اصلی انقلاب و سوسیالیسم که در سایه بحران موجود در یک نبرد تن به تن و مرگ و زندگی قرار گرفته اند حیاتی است. آمار اعتصاب به قدری زیاد میباشد که تقریباً در هر ۵ روز یک اعتصاب به ثبت میرسد ولی نبودن ساختار و تشکیلات سراسری که بتواند به محور مبارزه کارگران بر اساس برنامه سوسیالیستی جنبه سراسری و همگانی بدهد باعث شده دامنه آن از حد خود بخودی و خواسته های صرفاً اقتصادی بالاتر نرود. در اینجا با مروری خلاصه و روز شمار به برخی از این اعتصابات اشاره میکنیم و هدفمان نشان دادن زمینه عینی فعالیت برای آگاهان و مبارزین سوسیالیست است. که گندم را در گلدان پرورش ندهند بلکه به میان گشتزاران بشتابند: در صبح روز ۲۲ تیر کارگران اخراجی انتشارات امیرکبیر به منظور دریافت مطالبات ۲ سال قبل خود در مقابل سازمان تبلیغات اسلامی در میدان فلسطین تظاهرات کردند؛ دو روز بعد ۲۴ تیر کارگران شهرداری خوزستان در مقابل استانداری تجمع کرده و خواستار احقاق حقوق خود شدند که ۵ ماه حقوق نگرفته بودند؛ ۴ مرداد ماه معلمین زحمتکش و فقیر حق التدریس در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع و تظاهرات کردند؛ در ۱۲ مرداد ماه کارگران قهرمان نساجی اصفهان برای عدم دریافت ۶ ماه حقوق خود در مقابل استانداری اصفهان به حرکات اعتراضی دست زدند؛ کارگران رزمنده پارس واگن اراک ۲۴ شهریور با تجمع انقلابی خود جلو وزیر کار مزدور سرمایه را گرفته و دولت و حکومت جمهوری اسلامی رابه بی کفایتی و نالایقی محکوم کردند. در ادامه این حرکات قهرمانانه در مقابل وعده و وعیدهای تو خالی وزیر (سگ سرمایه دارها) تا دوم مهر صبر کرده کارگران واگن پارس دوباره با شعارهای ضد

حکومتی در محوطه کارخانه تظاهرات کردندند. کارگران قند کامیاب خمینی شهر در ۱۰ مهر به دلیل پرداخت نشدن حقوق در مقابل فرمانداری این شهر تظاهرات کردند. کارگران آجر ثبات دست از کار کشیده و به همراه خانواده های خود دست به تحصن زده و اعتراض خود را نسبت به تعطیلی قریب القوع کارخانه اعلام کردند. کارگران چینی البرز قزوین در اعتراض به ۲ ماه حقوق عقب افتاده و ندادن بخشی از پاداش و عیدی خود در مقابل استانداری قزوین تظاهرات کردند و موجب وحشت دولت سرمایه داری شدند. کارگران صنایع مخابراتی راه دور به دنبال تهدید کار فرما به برخورد انضباطی در ۱۱ مهر در محل کارخانه دست به اعتصاب و تظاهرات زدند. کارگران واگن پارس در ادامه پیگیری خواسته های خود به تهران آمده و دست به اعتراض و تظاهرات زدند. ۱۷ مورد و تمامی موارد بالا و دهها نمونه ثبت نشده نشان می دهند از یک طرف رشد مبارزه کارگران از سطح کارخانه از سطح اعتصاب و تحصن محدود به تظاهرات در مراکز شهرها رسیده است و از طرف دیگر، متأسفانه بعلت نبودن حزب واقعی طبقه کارگر (تشکیلات مخفی سراسری) که بتواند اعتراضات را یکدست و عمومی کرده و با جنبش سرنگونی ربط بدهد. که اگر چنین ارتباطی برقرار نشود این اعتراضات و جنبشهای اجتماعی از نفس

خواهند افتاد. این موضوع قبلاً در نشریه همبستگی در مقالات گوناگون مخصوصاً در شماره اول تاکید کرده است با توجه به شرایط سرکوب شدید و عدم کارائی تشکلهای **علنی** فعالیت به اصطلاح فعالین کارگری که صرفاً به مبارزات خود نچودی و پراکنده کنونی دل خوش کرده اند جنبش کنونی کارگری در حد خواسته های صنفی بدون رسیدن به نتیجه مشخص درجا میزد، چرا که بر اساس محور خواسته های صنفی مبارزات کارگران بعلت شدت سرکوب و نداشتن تشکلهای سیاسی - صنفی توان و پتانسیل لازم برای ارتفاع و سراسری شدن را ندارد و طبق تجارت کل جنبش کارگری - سوسیالیستی جهان این وظیفه بر عهده فعالیت و مبارزین سوسیالیستی و کارگران انقلابی استریا، که بر اساس اتحاد حول سرنگونی رژیم فاشیستی - اسلامی و برقراری حکومت سوسیالیستی کارگری نیروهای خود را بر اساس یک برنامه انقلابی - سوسیالیستی در یک سازمان سیاسی یکپارچه کرده و در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر بعنوان تنها ابزار سرنگونی رژیم اسلامی و رسیدن به حکومت شورایی کارگران حرکت کنند. نقطه شروع و پایه چنین کاری (تشکیل حزب) انتشار نشریه سراسری سیاسی - انقلابی برپایه منافع مستقل طبقه کارگر میباشد که تمامی محافل مبارزین را در یک جا گرد آورده و آنان

را به طور ارگانیک با مبارزه جاری کارگران پیوند دهد و با سازماندهی مبارزه صنفی و سیاسی کارگران به این نبردها جنبه طبقاتی همگانی و سراسری داده و رژیم نوکر سرمایه را وادار به عقب نشینی نماید. بدون گرد آوردی تمامی مبارزین راه سوسیالیسیم بر محور نشریه سراسری و بر اساس تبلیغات سیاسی انقلابی، بر اساس اهداف انقلابی خود و سازماندهی مخفی این نیروها در هسته ها و سلولهای مخفی کمونیستی در محل و کار زندگی کارگران و اتصال این مبارزین با بدنه جنبش کارگر و مبارزات آنان بر محور عناصر پیشرو و تشکلهای و خواسته ها و مبارزات جاری کارگران صحبت از تشکیل حزب طبقه کارگر بیشتر به یک شعار و شوخی میماند، تا تحقق عملی آن. و در شرایط موجود که انحرافات فکری در اشکال اکونومیستی، پست مدرنیستی، سوسیال دمکراتیک در اشکال رفورمیسم و انحلال طلبی بیداد میکند و تمامی این خائنین در شکل آشکار و پنهان هر گونه فعالیت جدی مخفی و انقلابی بر اساس تشکیلات آهنین را نفی می کنند مبارزه فکری با این نمایندگان منافع سرمایه داری در درون طبقه کارگر از اهمیت تعیین کننده در مبارزات طبقاتی کارگران برخوردار است، و بر ماست که با تمام توان در جهت تشکیل حزب طبقه کارگر به پیش بتازیم.

با ساختن هسته ها و کمیته کارخانه در جهت تداوم، گسترش و پیروزی

از مبارزات قهرمانانه کارگران واگن پارس حمایت کنیم.

کارگران انقلابی، جوانان و کمونیست ها:

بدون وجود حزب خاص طبقه کارگر هرگز نمی توانیم به مطالبات خود برسیم. ما وظیفه داریم بدون فوت لحظه ها ضمن حمایت همه جانبه از مبارزات تمامی کارگران بخصوص کارگران واگن پارس، برای بدست آوردن پیروزیهای ماندگار و ساختن حزب خود باید هرچه زودتر هسته ها و کمیته مخفی خود را در محل کار و زندگی تشکیل بدهیم در رابطه با ساختن هسته ها و کمیته کارخانه هر رفیقی بدون اینکه در انتظار رفیقی دیگر باشد باید تا آن حدی که توانایی دارد گام بردارد که حین حرکت بقیه رفاقا به او خواهند پیوست همیشه یک نفر زودتر از بقیه شروع می کند امروز آن یک نفر، تو هستی رفیق، بدون شک و تردید و بدون فوت زمان شروع کن.

کارگران انقلابی واگن پارس:

امروز با توجه به وضعیت کاری شما و جو انقلابی جامعه فرصت بسیار مناسبی برای ایجاد هسته ها و کمیته کارخانه وجود دارد که اگر توشه خود را از آن بر نگیریم و هسته ها و کمیته کارخانه را که نطفه های اولیه حزب طبقه کارگر خواهند شد را تشکیل ندهیم فردا فرصت ساختن را از ما خواهند گرفت. امروز با دقت، رفاقای انقلابی خود را پیدا کنید. و برای اینکه در ساختن هسته ها و کمیته به مشکل بر خورد نکنید کتابهای لنین و رهنمود های کمترین و شماره های پیشین همبستگی کارگری و همچنین شماره های مختلف انقلاب سرخ را که در رابطه با تشکیل هسته ها و کمیته ها هستند مطالعه کنید.

اخبار داخلی

۱- معضل لاینحل مسکن در حکومت اسلامی:

در حالی که در تمامی کشورهای سرمایه داری نرخ خرید خانه به ازای ۵ سال کل در آمد سالانه یک حقوق بگیر است. مثلاً ایران نیز تا سال ۵۹ چنین بوده است اما اکنون این رقم یعنی هزینه خرید خانه تحت سلطه دولت جمهوری فاشیستی - اسلامی به برکت دزدیهای کلان و ویرانی اقتصاد از ۵ سال به ده سال یعنی دوبرابر شاخص جهانی سرمایه داری رسیده است. این نشان می دهد که انسانها در ایران دوبرابر بیشتر از دیگر کشورهای سرمایه داری استثمار می گردند. و حاصل این استثمار از طریق رابطه سرمایه داری ایران با سرمایه جهانی به جیب سرمایه داران جهانی نیز سرازیر می گردد.

۲- یک دروغ شاخداری از نظام اسلامی بنام بیمه کارگران ساختمانی:

در سالهای گذشته با اعتراض گسترده کارگران ساختمانی در آذر ماه ۱۳۸۷ بیمه کارگران ساختمانی تصویب شد اما با گذشت نزدیک به ۱۰ ماه این طرح عوام فریبانه روی کاغذ مانده است. این تعلل ثابت می کند (تا نباشد چوب تر فرمان نبرد گاو خر) تا زمانیکه ما کارگران در سایه اتحاد خود دست به مبارزات گسترده نزنیم دولت سرمایه داری عقب نشینی نکرده و هیچ حقی را هر چند کوچک به ما نخواهد داد.

۳- کسری بیسابقه بودجه ۸۸:

در شرایطی که در آمد نفت و مشتقات آن و همچنین معینات گازی مینهای تمامی مالیات ها و تولیدات دیگر در سه سال گذشته به رقم ۲۸۹ دلار رسیده است و همچنین یارانه ها حذف و همه خدمات پولی

شده در سایه بهره کشی و غارت سرمایه داران و دولت آنها کسری بودجه در سال ۸۸ به رقم بی سابقه ۱۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان رسیده است. با توجه به ابعاد فاجعه تنها راه بیرون رفت از شرایط و اوضاع کنونی سرنگونی این نظام فاسدسراسر دزدی و برقراری حکومت کارگری است.

۴- بدون شرح:

کارگران ساختمانی هیچ حقی از سهام عدالت ندارند: غلامرضا صالحی مسئول روابط عمومی سازمان مسکن در اطلاعیه اعلام کرد: ثبت نام از کارگران ساختمانی برای دریافت سهام عدالت بدون هماهنگی با وزارت مسکن انجام شده و این وزارتخانه برنامه ای در این مورد ندارد. از کارگران ساختمانی می خواهیم از مراجعه به سازمان مسکن و شهرسازی استانها و شعب بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستانها خود داری کنند.

۵- بدون شرح

موسسه بیزنس مانیتور در گزارش سه ماهه پایانی ۲۰۰۹ خود مازاد حساب جاری ایران در سال ۸۷ را ۲۳ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار بر آورد کرده و این موسسه براساس داده های کنونی پیش بینی کرد این شاخص در سال ۸۸ با ۲۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون دلار کاهش به منفی ۹۰۰ میلیون دلار برسد که نشان دهنده ۳۰ درصد رشد منفی تولید ناخالص ملی است. (این نشان می دهد که آیا بنابه دروغ های نظام بحران سرمایه داری به ایران آمده است یا خیر)

۶- در سایه حکومت ننگین اسلامی سرمایه داری چای هم مانند تولیدات اصیل نابود شده است:

بدنبال خیانت ها و اجرایی نوکر منشانه دستورات سرمایه جهانی

توسط حکومت اسلامی بازار و ارزش جهانی پسته، فرش، زعفران و ... که ایران سالهای سال رتبه اول را در جهان داشت از دست رفت و اکنون نوبت چای رسیده است. در حالی که یک میلیون نفر در مزارع چای و حدود ۱۵۶ کارخانه و شرکتهای تابعه مربوط به چای کار کرده و نانی برای خانواده خود می بردند حالا با سیاست های مخرب حکومت فاشیستی - اسلامی بعنوان سگ دلانان، سرمایه داران مافیایی پول و قدرت که با وارد کردن چای خارجی و عدم خرید بموقع همچنین عدم تامین اعتبار تا کنون توانسته اند ۵۰ کارخانه از ۱۵۶ کارخانه را به تعطیلی کامل بکشانند که ۵۵ هزار خانواده چایکار بیکار شده اند این دولت ضد کار گرو سگ مافیای چای و شکرو... همانگونه که صنعت شکر را با شکر وارداتی مانند دیگر تولیدات اصیل (فرش، زعفران، پسته، ...) نابود کرد اینبار کمر به نابودی چای بسته است. هدف حکومت مزدور سرمایه داری بردن سود هرچه بیشتر و آسانتر است با پیروی از سیاست های سرمایه جهانی. شراکت دوطرفه در سود و انباشت آن تیشه به ریشه تمامی تولیدات از جمله چای می زند. تحت فشار و با ایجاد فضای و آینده نامعلوم با نرخ بسیار پایین توسط جهاد کشاورزی چای را از مردم خریده و آن را به جای فرآوری نابود می کند تا مافیای چای و سرمایه داران حاکم و حاضر در حکومت منافع میلیاردی خود در چای وارداتی را از دست ندهند. همانگونه که دولت مهر ورز احمدی نژاد با حمایت از مکارشیرازی و پسرش و دیگر افراد مافیای شکر باعث بسته شدن دهها کارخانه قند و شکر و بیکاری

وگرسنگی بیش از ۱۰۰ هزار نفر شد. این حکومت دیکتاتوری و استبدادی حافظ سرمایه داران و دلالت را فقط از طریق قیام مسلحانه و انقلاب قهرآمیز توده ای می توان به زباله دان تاریخ انداخت و در سایه حکومت شورایی سوسیالیستی - کارگری نفس آزادانه ای کشیده و در آرامش و آسایش زندگی کرد.

۷- دروغ شاخدار دیگر در مورد خودکفایی گندم:

در حالی که دولت نظامی خامنه ای - سپاه ادعا می کزردند در تولید گندم به خود کفایی رسیده اند با تکیه به آمار های ساختگی ، طبق آمار های درز کرده دولتی در سال گذشته ۸/۵ میلیون تن گندم از خارج وارد کرده اند. همیشه در دولت اسلامی همه چیز دروغ ، شعار و توخالی بوده است.

۸- رقم نجومی مالیات سنگین روزگار زحمتکش را تیره و تار کرده است:

در حکومت خامنه ای - سپاه و عروسک خیمه شب بازی آنها (احمدی نژاد) همه امکانات عمومی قبلی ، الان کیسه پول برای آنان شده است از آموزش (مدرسه و دانشگاه) گرفته تا انرژی (آب برق و گاز و...) خدمات (بهداشت و بیمارستانها و حمل و نقل) و اگر مالیات و عوارضی که به بهانه های مختلف می گیرند یعنی رقم ۱۸۴۰۰۰ میلیارد تومان به آن اضافه کرده و با پول نفت و گاز صادر شده جمع بزنیم آنگاه حسابهای رنگارنگ رهبر معظم انقلاب و دیگر رهبران و شخصیت هاومدیران جمهوری فاشیستی - اسلامی در بانک های خارجی مشخص می گردد (در مورد برخی از حسابهای سران مراجعه کنید به نشریه شماره ۶ در مقاله تحت عنوان غارتگریهای سران) با توجه به این دزدی هاست که ۲۰ میلیون گرسنه و ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می کنند هرگز بدون سرنگونی این نظام دلالی - سرمایه داری مردم بخصوص زحمتکشان روی خوش نخواهند دید.

۹- در ماندگی ، بی آیندگی جوانان:

بنابیه اعترافات مسولان سازمان جوانان وابسته به حکومت فاشیستی - اسلامی، ایران که یکی از ثروت مندترین کشور جهان است تحت حاکمیت نظام دزدی و جنایت اسلامی ۱۳ میلیون جوان آماده ازدواج به دلیل بیکاری و سرسام آور بودن هزینه های زندگی نمی توانند ازدواج کنند. همچنین همین سازمان جوانان اعلام می کند که هزینه ازدواج در ایران ۳۰ میلیون تومان است نتیجه چنین وضعیتی است که سن فاحشگی به ۱۱ سال رسیده که این خود در دنیا بالاترین افتضاح است که "حکومت صاحب الزمان و نماینده واقعا" بر حقش "بوجود آورده و چنین افتضاح صاحب الزمانی سرمایه دارانه را فقط با انقلاب قهر آمیز توده ای میلیونی و سرنگونی آن و کم کردن شر این غده سرطانی از سر هفتاد میلیون ایرانی می توان پاک کرد.

۱۰ - شرکت مخابرات هم به اموال خصوصی سرداران فاشیست سپاه پاسداران اضافه شد:

سپاه پاسداران این غده بدخیم پایگاه سرمایه داری و فاشیسم که نهایت نظام سرمایه داری است از بدو ساخته شدن به ارگان نظامی و سپس به تمامی ارگان سیاسی و فرهنگی دست یازید و پس از جنگ بطور عمده اقدام به تصرف اقتصاد کشور کرد که در اوایل بصورت پیمانکار وارد عرصه گردید که از یک طرف خودسازمان سپاه طرف قراردادهای پیمانکاری می شد و از طرف دیگر سپاهی ها در رده های مختلف شرکت های اقتصادی مختلف تشکیل میدادند به صورت اشخاص حقیقی ظاهرا" بدون وابستگی به سپاه (شرکتهای لباس شخصیها) ولی با تمام قدرت از نام و امکانات سپاه و از طریق سپاه از تمامی نهاد ها استفاده می کردند اما سودش را برای شخص خود برمی داشتند که از این دست شرکتهای در رشته های خدماتی ، تولیدی ، صادرات و واردات ، ساختمانی و

غیر می توان مثال آورد اما اکنون پس از تصرف قدرت به تمام وکمال به آن حدی رسیده اند که تمامی کانون های اقتصادی را از طریق شرکت های اقماری که ظاهرا" از سپاه مستقل هستند تصرف می کنند و اکنون سرداران سپاه مانند ژنرال های نازی هیتلری همچون گورینگ، هیملر ، دکتر شاخت و دهها ژنرال دیگر که تمامی صنایع آلمان را در مالکیت خود داشتند خود به پایه های اقتصادی فاشیسم تبدیل شده بودند سرداران سپاه نیز مانند همان ژنرالها به پایه های نظامی و اقتصادی فاشیسم اسلامی تبدیل شده اند البته در گذشته یعنی از اول تشکیل جمهوری اسلامی، فاشیسم اسلامی بنیان گذاری شد اما در آن زمان هنوز پایه های نظامی آن با پایه های اقتصادی یکی نشده بودند در اوایل پایگاه نظامی فاشیسم اسلامی سپاه و بسیج و کمیته ها و سپس نیروی انتظامی بود و پایگاه های اقتصادی از جمله بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان ، بنیاد ۱۵ خرداد، آستان قدس رضوی و دهها بنگاه اقتصادی پراکنده دیگر بود که در درگیری های دهه هفتاد میان این بنیاد ها و شرکت ها و نهاد های نظامی با وزارت امور اقتصادی که نمی توانست از آنها مالیات بگیرد مافیایی و رانتی بودن آنها به عنوان پایگاه های رشد فاشیسم ثابت شد. و در جنگ قدرت سیاسی و اقتصادی میان باند های مافیایی درون نظام هر از چند گاهی یک باند مغلوب می شد و افراد آن باند دستگیر و زندانی می گشت که از جمله بخشی از باندهای رفسنجانی که با نام کارگزاران محاکمه شدند یا باند دیگری که به رفیق دوست و خاموشی ها تعلق داشتند از دور خارج و محاکمه شدند یا باند آیت الله جزایری و... و در کنار همین روند جنگ قدرت باندهای مختلف فاشیسم اسلامی از دهه هفتاد حداکثر پایگاههای اقتصادی در شرکت های لباس شخصی ها تجلی و نضج یافته بودند رو به رشد گذاشته و هماهنگ با

پایگاههای سیاسی به تصرف کامل نظامیان در آمده و پیوند پایه های اقتصادی و سیاسی و نظامی فاشیسم اسلامی کامل گردید در ادامه طبیعی همین روند رشد فاشیسم اسلامی است که سپاه از طریق شرکت های اقماری و فرماندهان علی رتبه تمامی صنایع را تصرف می کند که اخیراً "شرکت مخابرات نیز مستقیماً" مضمول رشد پایه های اقتصادی فاشیسم قرار گرفته است. این در ادامه خصوصی سازی به روش فاشیستی که هر باندی اقدام به خودمانی سازی در درون باندهای مافیایی خود می کند شرکت مخابرات را مثلاً" از طریق بورس با قیمت اسمی هفتاد میلیارد تومان به اختیار خود در آورد که البته آن پول نیز پرداخت نخواهد شد و این در حالی است که شرکت مخابرات حداقل ده هزار ساختمان دارد که روی هم رفته هر کدام پنج میلیارد تومان ارزش دارد به عنوان مثال در بزرگراه کردستان تهران نزدیک ونک سه باب ساختمان ۱۷ طبقه دارد که حداقل هر کدام از آنها بیش از هفتاد میلیارد تومان می ارزندد رهمین حال نقدینگی مخابرات و ماشین آلات آن و انبارهای که دارد و کالاهای که در انبارها دارد و الی آخر همه اینها نشان می دهد که اموال و اعتباردر آمدی در آینده مخابرات هزاران میلیارد ارزش دارد اما چگونه فاشیسم با هفتاد میلیارد قیمت اسمی اقدام به غارت اموال عمومی می کند همین طریق بررسی را به مواردی چون نفت و گاز و پتروشیمی و غیر بست یدهد آنگاه اندکی از عمق و عظمت چپاول و غارت را می توانید درک کنید با توجه به این ثروت و منافع شخصی سرداران سپاه است که می توان شدت خشونت در سرکوب اعتراضات مردم را درک کرد که این سپاهیان در واقع برای حفظ منافع هنگفت مالی است که اقدام به کشتن و تجاوز به جوانان می کنند تا از انقلاب جلوگیری کنند چراکه اگر انقلاب شود این سپاهیان از منافع بیان شده

محروم خواهند شد در این رابطه فقط و فقط منافع و سود سرمایه مطرح است و خداو غیر بهانه ی بیش نیستند یعنی همان تضاد کار و سرمایه است که امروز سرداران سپاه تبدیل به کارفرما (سرمایه دار) شده اند. در نهایت باید گفت برای ما کارگران فرقی ندارد که کارفرما (سرمایه دار) چه کسی باشد ما فقط از طریق سرنگونی سرمایه داری و عوامل ارتجاعی آن می توانیم رسالت تاریخی خود را با ایجاد حکومت کارگری بانجام رسانده و تمامی انسانها را نجات بدهیم. تنها راه رهای سرنگونی جمهوری فاشیستی - اسلامی است.

۱۱- هستی برنجکاران در خطر نابودی است:

سرمایه داران ودلالان با حمایت دولت مهرنوازو باندهای مافیایی از یک طرف بازار را از برنج آلوده خارجی که به نازلترین قیمت خریده اند اشباه کردند و از طرف دیگر عدم خرید برنج از کشاورزان توسط نظام متشکل از مافیاهای قند و شکر، چای، نساجی و غیره و ماندن برنج کشاورزان روی دستشان از سال قبل همگی باعث شده است صدها هزار نفر از افرادی که از طریق برنج امرار معاش می کردند در معرض نابودی قرار بگیرند. همه این جنایت ها را سرمایه داری و دولت عاملش برای کسب سود هرچه بیشتر انجام می دهد و جز انقلاب و سرنگونی این نظام ضد انسانی و برقراری حاکمیت سوسیالیستی راه نجاتی برای برنجکاران، چای کاران در مجموع کارگران و زحمتکشان وجود ندارد.

۱۲- بنابه اعتراف مسئولین شرکت نفت، گازی که در پالایشگاه ها به صورت شعله های فروزان سوخته به هدر می رود برابر با کل گاز مصرفی کشور ترکیه است این سرمایه ملی در حالی به هدر می رود که ۲۰ میلیون گرسنه در کشور با مرگ تدریجی دست به گریبان هستند.

۱۳- قابل توجه جوانان و ورزش

کاران (عاقبت ورزش به کجا منتهی می شود؟!)

در حالی که ۱۲۰ میلیارد تومان بنام کمک به المپیک جهانی باج داده شده و همچنین بین باندهای حکومتی و مافیای ورزشی تقسیم شده است که نتیجه چنین دزدیهای سقوط بیسابقه رده ورزشی ایران میان عقب مانده ترین کشورهای جهان است. مسئولین (دزدان) ورزشی اعلام کردند ۳۰۰۰ طرح نیمه کاره ورزشی به امان خدا ول شده است. در جمهوری اسلامی که متشکل از دزدان غارت گران است هر طرحی وسیله برای غارت و چپاول ثروت های عمومی است که ورزش نیز از این جنایات دورنمانده است بطوری که سالهای بسیار ایران در کشتی همیشه در رده اول قرار داشت اما اکنون چندین سال است که در حسرت آن روزها بسر می برد. البته بسیاری از ورزش های دیگر نیز از دولت وجودی نظام فاشیستی - اسلامی دچار چنین خفت و نقصانهای شده اند. که در این رابطه نیز تنها راه نجات نابودی نظام اسلامی و برقراری سوسیالیسم است.

۱۴- اوضاع اسف بار سالمندان و از کار افتادگان:

بنا به گزارش بهزیستی برای هفت میلیون سالمند و از کار افتاده در کشور امام زمان و نایب بر حقیق مقام معظم رهبری فقط دو پزشک وجود دارد جالب توجه است که سال مندان و از کار افتاده گان گروهی هستند که از تمامی سنین دیگر بیشتر به پزشک نیاز دارند این معضل در حالی است که طبق آمار سال ۱۳۸۶ نظام پزشکی ۱۵ هزار پزشک عمومی بیکار در کشور وجود داشت. وقتی در کشور خداو امام زمان پسر رهبر معظم (مجتبی خامنه ای) فقط در یک حسابش نزد بانک بریتانیا مبلغ ۸/۱ میلیارد دلار پول دارد در مقابله نه تنها سالمندان و از کار افتاده گان بلکه تمامی مردم بدون پزشک خواهند ماند این نمونه مشت از خروار است که به وسیله محرمان

نظام دزدیده می شود در نتیجه پزشکان بیکار و بیما ران بدون پزشک می مانند پیش بسوی سرنگونی نظام فاشیستی - اسلامی .

۱۵- **تحت حاکمیت رژیم فاسد اسلامی در هر ۱۰ ساعت ۷۴ نفر در تصادفات رانندگی به دلیل غیر استاندارد بودن جاده ها کشته می شوند طبق این آمار ۷۴ نفر غیر از افراد معلول و از کار افتاده است.**

۱۶- **بدنبال از هم گسیخته گی نظام از درون که می رود تا از درون فروبه باشد شکاف جناح های درون نظام آنقدر زیاد شده است که صدای از بام افتادن تشتش به نوچه های بیرون مرزیش هم رسیده و آنها نیز خود را آماده زدن تیپا به نظام اسلامی کرده اند تا آن حدی که خالد نشعل رهبر سیاسی حماس و نورچشم حکومت اسلامی پس از گرفتن باج های کلان و شنیدن زلزله درونی جمهوری اسلامی در یک ابراز نظر رسماً "خلیج فارس را خلیج عربی نامید."**

۱۷- **طی باج دادن های طولانی که نظام اسلامی برای حفظ خود که دیگر در درون کشور پایگاه قابل اتکای ندارد سهم ایران از ۵۰ درصد در دریای خزر فعلاً به ۱۱ درصد تقلیل یافته است این نتیجه روند عمومی تمامی حکومت های دیکتاتوری سرمایه داری است که برای نجات خود علاوه بر غارت میلیاردها اموال عمومی مجبورند به تمامی کشورهای بیگانه باج بدهند.**

۱۸- **طبق گزارشات رسمی شرکت نفت ، در ادامه بذل و بخشش های (باج دهی) حکومت فاسد اسلامی کشور قطر ۲۱ یک میلیارد دلار بیشتر از ایران از پروژه عسلویه گاز برداشت می کند.**

۱۹- **خبر ویژه :** در ادامه اختلافات و شکاف درونی نظام و رو به متلاشی بودن تمامی ارکانهای اساسی آن ، وزارت اطلاعات یکی از جنایتکارترین نهاد های اسلامی ۱۸۰ نفر از ۲۰۰ مدیر خود را اخراج کرد و همچنین ۶ هزار

نفر از ۳۰ هزار پرسنل خود را وادار به باز خرید و باز نشستگی اجباری کرد این نشان دهنده شکاف عمیق و رو به فروپاشی سیستم اسلامی و رسا تر شدن صدای انقلاب که روز به روز نزدیک شدن آن را خبر می دهد.

اخبار خارجی

۱- **با تشدید بحران ساختاری سرمایه داری بیکاری افزایش می یابد:**

در بیست و هفت کشور عضو اتحادیه اروپا رقم بیکاری با رشد ۹ درصدی به ۲۱ میلیون نفر و در پانزده کشور اروپایی غیر عضو رقم بیکاری به ۱۵ میلیون نفر رسیده است. رقم بیکاری در امریکا ۹/۸ درصد و در کانادا ۸/۷ درصد و در ژاپن که در طول تاریخ آن بیسابقه است به ۵/۷ درصد رسیده است.

۲- **اعتصاب قهرمانانه کارگران ساختمان در دبی :**

کارگران شرکت الحتبور یکی از بزرگترین شرکت های ساختمانی خاورمیانه دست به اعتراض زده و با خارج شدن از محل کار خود به خیابانها آمده باعث توقف عبور و مرور در مناطق مختلف دبی شدند و نمایندگان شرکت سرمایه داری را که از آسمان هفتم به دید مورچه گان به کارگران نگاه می کردند مجبور به مذاکره کردند. کارگران با این حرکت خود ثابت کردند که در سایه اتحاد و مبارزه می توانند بر سرمایه داران پیروز شوند این است که لنین کبیر گفته است تنها راه نجات کارگران وحدت و تشکیلات است.

۳- **کشتار هزاران نفری تحت لوای دمکراسی پارلمانی در سریلانکا:**

با هدایت سرمایه داری جهانی و سرویس دهی تمامی سازمانهای جاسوسی دولت های سرمایه داری، دولت "دمکراتیک پارلمانی" سریلانکا شروع به سلاخی سازمان مارکسیستی ببرهای تامیل که برای

استقلال این ایالت مبارزه می کنند، نمود. سریلانکا و سرمایه داری جهانی با سرکوب ببرهای تامیل این اصل اساسی مارکسیستی را اثبات نمود که دمکرات ترین دولتهای بورژوازی دیکتاتوری اقلیت بر علیه اکثریت بوده و چماق سرمایه داری در دفاع از منافع طبقه سرمایه دار بر ضد زحمتکشان است. با توجه به حرکت سریلانکا و حرکت های از این دست سرمایه داری در دیگر نقاط جهان در مورد دمکراسی سرمایه داری عوام فریبی و خاک پاشیدن به چشم زحمتکشان است.

۴- **حزب کمونیست فیلیپین:**

حزب کمونیست فیلیپین که با توجه به داشتن تشکیلات قدرت مند و رزمنده دولت سرمایه داری فیلیپین را مجبور به قبول مذاکره برای آزادی ۱۴ تن از رهبران خود کرده بود پس از مدت ها گفتگو مذاکره به بن بست رسید . شاخه نظامی این حزب که دولت از ترس آن تن به مذاکره می دهد ارتش خلق نوین نام دارد و متشکل از ۵۷۰۰ نفر مسلح که در ۸۶ پایگاه در جنوب این کشور حضور دارند. این ثابت می کند که همه جا فقط قدرت متشکل و سازماندهی شده کارگران و زحمتکشان است که در صورت وجود به حساب آورده شده و می تواند دولت های سرمایه داری را وادار به مذاکره و عقب نشینی کند. البته در شرایط مساعد انقلابی نیز در جهت ریشه کن کردن سرمایه داری حرکت خواهد کرد.

۵- **حزب کارگران کرد کردستان ترکیه (pkk) :**

بدنبال تلاش ها و حملات گسترده ارتش ضد خلقی ترکیه برای سرکوب pkk و شکست های پی در پی ارتش ترکیه در مقابل رزمندگان pkk دولت ترکیه مجبور به رسمیت شناسی و دادن امتیازاتی به این حزب شد. و اعلام کرد آماده است با آن مذاکره کند. این مورد نیز ثابت می کند که قدرت واقعی و راه پیروزی در انسجام و یکپارچگی حزبی کارگران

نهفته است.

۶- دمکراسی و محصول نهایی آن در دولت دمکرات سوئیس :

(قابل توجه تمامی عاشقان سینه چاک دمکراسی سرمایه داری مخصوصاً" سوسیال دمکرات های وطنی که کشور سوئیس و دمکراسی آن را کعبه آمال خود می دانند)

رومن پلانسکی کارگردان اسکار گرفته جهان که با فیلم های مشهور همچون (محل چینی ها) و به دلیل عدم قبول همکاری با دستگاه فرهنگی دولت فاشیستی آمریکا در گروه های سینمایی هالیوود ۳۰ سال پیش دستگاه قضایی آمریکا اتهاماتی به او بست و او مجبور گردید از آمریکا فرار کرده و در فرانسه زندگی کند و پس از سی سال چند روز پیش که برای شرکت در سمینار سینمایی به سوئیس رفته بود توسط پلیس کشور آزاد و دمکرات سوئیس دستگیر شد ، پلانسکی گفت دستگاه قضایی آمریکا و دولت آن انسان را وادار می کند یا به اهداف آنها گردن به نهد و یا با بستن اتهام آنرا به زندان بیاندازند. ملاحظه کنید در نظام های سرمایه داری چه به شکل اسلامی و چه به شکل دمکراتیک آن هر دو اگر قبول به همکاری نکنید هزاران اتهام زده و هزاران بلا سرتان می آورند از جمله می توان در ایران شکنجه و کشتار ها و تجاوز درده ۶۰ و اعتراضات اخیر و در آمریکا گوانتانامو و زندان ابوقریب را نام برد. در تمام طول تاریخ ثابت شده است که سیستم سرمایه داری برای ادامه بهره کشی آزادی اکثریت استثمار شدگان را لگدمال می کند و

کارگران هفت تپه :

از نمایندگان خود که توسط نظام فاشیستی - اسلامی محاکمه شده در حال زندان رفتن هستند دفاع کنید.

کارگران هفت تپه :

امروز شما با توجه به تجربه سه ساله خود می دانید که تنها راه تداوم ، گسترش و پیروزی مبارزات کارگری نه از طریق علنی گرایی و به خطر انداختن نمایندگان خود بلکه فقط با تشکیل هسته ها و کمیته کارخانه می توان وظیفه طبقاتی خود را در راه مبارزه برای تمامی مطالبات ادامه داد. بدون از دست دادن فرصت ها اقدام به ساختن هسته های رزمنده خود بنماییم.

تنها با نابودی و در هم شکستن ماشین سرکوب (دولت) سرمایه داری است که در قدم اول کارگران خود را نجات می دهند.

۷- اعتصاب کارمندان بانک هندوستان :

بدعوت سندیکای کارمندان بانک هند بیش از یک میلیون نفر در اعتراض به عدم افزایش حقوق و مزایای خود به مدت دو روز در ۶۰ هزار شعبه بانک ها دست به اعتصاب متحدانه زده و هفتاد درصد کار های بانکی را مختل کردند.

۸- بدعوت اتحادیه کارگران ارتباطی پست و راه آهن انگلیس بیش از ۲۵

هزار نفر از کارگران به مدت ۳ روز در اعتراض به وضع بد کاری و حقوق پایین دست به اعتصاب زدند در این اعتصاب پر شکوه کارگران ارتباطی انگلیس قدرت اتحاد خود را به نمایش گذاشته اثبات کردند چاره کارگران فقط و فقط وحدت و تشکیلات است.

۹- بدنبال تظاهرات پرشکوه و گسترده خیابانی کارگران

شهرداری های کشور آفریقا جنوبی ، کارگران مخابرات این کشور در همبستگی با کارگران شهرداری ها دست به تظاهرات سراسری در شهر های بزرگ زدند در این تظاهرات ۱۴ هزار کارگر مخابرات شرکت کرده بودند.

۱۰- بدنبال افشاگری نیروهای کارگری

از شرکت زیمنس و نوکیا در آلمان که دستگاه های قوی شنود برای سرکوب انقلابیون به حکومت فاشیستی - اسلامی ایران داده بودند فروش این دو شرکت دچار ۳۳ درصد

کاهش شده اند. همچنین یک قرار داد ۱۳ میلیارد دلاری آنها با امریکا لغو گردیده است. ۱۱- خبر ویژه :

رابطه ایران و امریکا با دیپلماسی گاوی سرعت بیشتر می گیرد:

امریکا ۲۷۰۰ راس گاو برای مقام معظم رهبری و احمدی نژاد فرستاد: پس از مدت ها ناز و ادا بطوری که نشریه هفتگی نیوزویک نوشته بود و همچنین رهبر حکومت فاشیستی - اسلامی در پیام نوروزی خود پیش بینی کرده بود بالاخره روابط ایران و امریکا به سمت عادی شدن حرکت می کند و این عادی شدن فعلاً از طریق دیپلماسی گاوی شروع گردیده است طی خبر های ماه جاری یک کشتی اقیانوس پیما امریکا در آب های بندر بوشهر لنگر انداخته و ۲۷۰۰ راس گاو شیر ده به ایران تحویل داده است در هر حال یا این گاوها آنهاست هستند که امریکا می خواست به دریا بریزد و ایران در جهت دادن باج آنها را خریده است یا اینکه شروع نوع علنی نوکری رهبر معظم است که با دیپلماسی گاوی استارت زده شده است. فرستادن این محموله جواب پیام های التماس آمیز مقام معظم رهبری در پیام نوروزیش و نتایج مذاکرات اخیر است که بخش دوم آن در مذاکرات برای خرید سوخت هسته ایران از کشورهای دیگر است که نشان می دهد ایران بدنبال شکست های خود در اعتراضات اخیر مردم کاملاً نوکری را پذیرفته و امریکا نیز با ارسال ۲۷۰۰ راس گاو ضمن قبول نوکری حکومت اسلامی، رابطه را متمسخرانه شروع کرده است.

